هفته نامه سیاسی،
فرهنگی ،اقتصادی
ورزشی

نسیم جنوب

هشت صفحه ۴۰ تومان

پیش شماره پانزدهم - سه‌شنبه ۲۶ خردادماه ۱۳۷۷

سلامی و کلامی...

بگذاریم مردم بگویند

ناخدای سینه‌زنی بوشهر

شرح زندگانی ناخداعباس دریانورد

جوابیه اداره بندر و کشتیرانی به نسیم جنوب در خصوص آتش سوزی لایروب سومار

مصطفی گراشی ،نوحه خوان‌نامدار بوشهری :

در سینه‌زنی بوشهر، سبکی وجود نداشته است

استیضاح وزیر کشور، تهاجم به کدام سو؟!

بخشو و اربعین تقوایی

بیانیه انجمن اسلامی معلمان بوشهر در خصوص استیضاح وزیر کشور

براساس کدامین مدارک و شواهد حکم به درگیری دراستان بوشهر می‌دهید؟

بدرود ای جامعه؟!

درخواست مهندس خواجه‌پور از رئیس جمهوری



عکس از ایرج حسین پور - بوشهر، محله کوتی

تشنج در بوشهر بهانه یا واقعیت؟!

مصاحبه با مدرس و مسئول هیئت فوتبال استان بوشهر، سرمربی تیم ایرانجوان بوشهر، مدیر باشگاه شاهین بوشهرو داور ملی بوشهری در خصوص بازی تیم ملی ایران با یوگسلاوی

عابدزاده : قرار بود که من بازی کنم

ادب میهمان

جوابی به ناسپاسی یکی از میهمانان جشن فرهنگ

سلامی و کلامی....

یونس قیصی‌زاده

بگذاریم مردم بگویند

گفتگو لازمه حضور مشارکت مردم در صحنه است، اما چیزی که برای گفتگو بسیار اهمیت دارد فراهم آمدن موقعیتهایی است که بتواند به سؤالات دامن زد، افراد پاسخهایی را عرضه کنند و در نهایت فضابرای ایراد پرسشها و پاسخهاآماده شود. ایجاد فضای نقد و نقادی زمینه ساز جامعه مدنی است.

اما برای گفتگو و نقادی صد البته نیاز به جایگاه و تمرین است و نسیم جنوب در این مدت اندک سعی نموده است که زمینه این گفتگو و نقادی را در خصوص مسائل گوناگون در استان بوشهر بوجود آورد و البته هنوز در ابتدای راهیم، بی‌تجربه و عجولیم و البته دلسوز. متأسفانه تاکنون فضایی برای گفتگوی نقادانه در زمینه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی در استان فراهم نبوده است و از اینرو تجربه‌ای اندوخته نگردیده، بر این اساس است که می‌بینیم در هر مقوله‌ای که وارد می‌شویم حرفهای بسیاری برای گفتن و نوشتن وجود دارد که ناخودآگاه عکس‌العملهایی را در جامعه برمی‌انگیزد، در ادبیات، اقتصاد، امور سیاسی، امور سنتی، هنری و ... با عنوان شدن هر مطلب تازه‌ای، دهها روزنهٔ قابل بحث گشوده می‌شود و این نشان دهنده این است که در سالهای گذشته بطور جدی در استان به این امور پرداخته نشده و بقولی یک آرامش کاذب براین مباحث حاکم بوده‌است .تازه بودن این مباحث و کم تجربه بودن در ایجاد یک گفتگوی عاقلانه و حسابگرانه باعث می‌شود که گاهی کسانی که در این زمینه‌ها قلم می‌زنند اندکی از قواعد گفتگوی مفاهمه آمیز خارج شده و به مسائل حاشیه‌ای بپردازند و جا را برای طعنه و عیبگیری کسانی که از اصل با مشارکت اقشار مختلف مردم درامور جامعه بوسیله گفتگوهای نقادانه و البته مفاهیم آمیز مخالفند،بگشایند و بیان این مطالب را بوسیله مردم تشنج آفرینی و اختلاف انگیزانه بدانند. سؤال ما این است که آیا اگر به این مسائل نپردازیم و از کنار آنها همانند گذشته، بسادگی و غافلانه عبور نمائیم، ریشه این مسائل خشکیده و از بین می‌رود؟ حداقل تجربه کنونی نشان داده است که این تصور، غلط انداز است. با پرداختن به مسائل و مشکلات است که می‌توان نقاط قوت و ضعف آنها را شناسایی نمود و زمینه رشد و پرورششان را فراهم آورد. بقول معروف با نادیده‌گرفتن مسئله تنها صورت مسئله را پاک کرده‌ایم ولی اصل آنرا حل نکرده‌ایم. در حال حاضر که جامعه در حال گذر از یک دوره انتقالی بسیار حساس و سرنوشت ساز است، آیا می‌توان تنها رسالت مطبوعاتی خود را در انعکاس چند خبر بی‌ضرر به انجام رساند. البته که توقع از مطبوعات بسیار بیش از این است و انتظار بجایی است که مردم حس نمایند که نشریه‌اشان همگام با آنان مسائل حساس و مهم جامعه را پیگیری نموده و سعی در انعکاس جریانهای موافق و مخالف موجود در جامعه را داشته و برای شفاف نمودن دیدگاههای گوناگون و مقابل یکدیگر در جامعه، خود را به مخاطره می‌اندازد. در بحبوبهٔ کنونی که جامعه آبستن حوادث گوناگون است، آسوده نشستن و خیال آرامش نمودن، چیزی جز جدا شدن از ملت نیست.

اما پاگرفتن سنت حسنه گفتگو و ایجاد ارتباط مباحثه‌ای در امور اجتماعی این پیامد را دارد که زمینه را هموار می‌نماید برای مشارکت مردم و اظهار نظر نقادانه آنها در تمامی امور سیاسی و اجتماعی و ...که گاه تاکنون امکان ابراز نیافته‌اند و به کناری مانده‌اند و این البته عده‌ای را خوش نمی‌آید.

جامعه ایران دیگر جامعه‌ای تک صدایی نیست، کسانی که فکر می‌کنند با زور و قهر می‌توان برخی سلیقه‌ها و افکار و روشها را سرکوب کرد سخت در اشتباهند، اکنون باید واقعیت اختلاف و تفاوت را به رسمیت شناخت و مردم را از حق «متفاوت بودن»، «متفاوت شنیدن» و «متفاوت گفتن» برخوردار دانست.

هیچ گروه و یا فردی نباید تصور کند که می‌تواند منافع و عقاید جمع کثیری از مردم را نمایندگی کند. بیان عقاید متنوع، اهداف مختلف، سیاستها و خط مشی‌های گوناگون و شیوه‌های متعدد، راه را بر سوءاستفاده افراد بعنوان نماینده بدون انتخاب مردم خواهد بست، اختلاف و تضاد منافع و علاقه‌ها و سلیقه‌ها یک پدیدهٔ طبیعی در همه جوامع بشری است، کسانی که با ایدهٔ نادیده انگاشتن این اختلافات، سعی می‌نمایند از کنار آن گذشته و به عمد آن را نادیده گرفته و دوست دارند که دیگران نیز اینگونه کنند، ناخواسته بر جدال و تشنج افزوده‌اند. اینان باید با چشمی باز به جامعه بنگرند و وقایع و حقیقت درون اجتماع را قبول نمایند. تفاوت نظر و سلیقه به هیچ وجه گناه نیست، اما آنچه که اهمیت دارد مدیریت اختلافها و قرار دادن هر یک به جای خود و بهره‌گیری از آنها برای پیشبرد اهداف جامعه است. مهمترین کار در این جهت تبدیل اختلاف به رقابت، در چارچوب قواعد بازی مشخص است.این افراد رابطه خود و مردم را یکسویه می‌نگرند و مردم را تنها در جهت تائید نظرات خود قبول دارند. کسانی که حق «گفتن» و «نوشتن» را تنها برای خود می‌خواستند و انحصارگرانه با نادیده گرفتن نظر و عقاید عامه مردم، قیم مآبانه نظرات عده‌ای قلیل و اندک را به اسم «مردم» و عامه در صحنه اجتماع مطرح می‌نمودند ودوست داشتند همگی همانند آنان فکر کنند و تنها آنان به نمایندگی از مردم حق نوشتن و حرف زدن را داشته باشند، اکنون نیز از این پندار خود دست نکشیده و حماسه دوم خرداد نیز آنان را متنبه و بیدار ننموده است. ساده‌ترین پیام حماسه دوم خرداد این بود که دیگر این مردم نیاز به قیم و سخنگوی خودانتخابی ندارند و آگاهی و شعور آنان به حدی بالا است که هرگاه لازم باشد خود سخن خواهند گفت، خواهند نوشت و خواهند ایستاد. انحصارگری بسیار مزموم است، خصوصاً هنگامی که افراد اندکی «گفتن» و «نوشتن» از زبان مردم را تنها در انحصار خود بدانند واز دردها و مسائل و مشکلات جامعه سخن گفتن را تنها در حیطه محدودهٔ خود و انحصار خود بگیرند. به نظر اینان هر مشکلی که آنان به آن بپردازند، مسئله اصلی و اساسی جامعه است. هشدار که مردم خود انتخاب کننده‌اند و زشت‌ترین امور در نزد آنان این است که چند نفر اندک به جای آنان فکر کنند، تصمیم بگیرند و انتظار داشته باشند که مردم نیز چشم و گوش بسته به فرمان آنان عمل نمایند. اینان دچار فاشیسم مسلکی هستند که تنها صدای خود را حق می‌دانند و صور گوناگون گفتگوهای اجتماعی را خشک و منجمد می‌خواهند. سالها به اسم مردم صحبت کردن کافی است، بگذاریم که مدتی نیز خود آنان سخن بگویند و حتی اگر اندکی به اشتباه نیز بگویند چه باک، که باز خود آنان اشتباه کرده‌اند و کوچکترین فایده آن تجربه‌اندوزی برای این است که فردا، درست بگویند و بنویسند،اما دلخوشیم که این مردم‌اند که گفته‌اند،نه دیگران به اسم مردم.

درخواست مهندس خواجه‌پور از رئیس جمهوری

مهندس محمد خواجه‌پور نماینده بوشهر،گناوه و دیلم در مجلس شورای اسلامی به همراه ۲۲ نمایندهٔ دیگر مجلس شورای اسلامی با ارسال نامه‌ای خطاب به رئیس جمهور از وی خواستند تا برای غافلگیر نشدن قهرمانان ملی جمهوری اسلامی ایران و بروز حوادثی نظیر بی‌اعتنایی و بی‌حرمتی به پرچم کشورمان تدابیر لازم را در نظر بگیرید. دراین نامه خطاب به آقای خاتمی آمده است:« نظر به حرکات مشکوک بعضی از مقامات و دست‌اندرکاران ورزش آمریکا مبنی بر اینکه ورزشکاران در پایان مسابقه درس خوبی به سیاستمداران هر دو کشور خواهند داد، همدیگر را در آغوش گرفته و پیراهنهایشان را مبادله خواهند کرد و با توجه به اینکه عده‌ای درصدد خدشه وارد کردن به عزت ملت، ارزشهای انقلاب و حیثیت قهرمانان ملی جمهوری اسلامی ایران هستند، ما نمایندگان مجلس از حضرتعالی تقاضا داریم به مسؤلان ذیربط در وزارت خارجه، سازمان تربیت بدنی و فدراسیون فوتبال تذکر دهید که تدابیر لازم برای خنثی کردن این توطئه را اتخاذ نمایند.»

جمع آوری خاطرات شهدادر بوشهر

* بنیاد شهید شهرستان بوشهر اقدام به جمع‌آوری خاطرات مربوط به شهیدان نموده است، رئیس بنیاد شهید شهرستان بوشهر ضمن بیان این مطلب به خبرنگار نسیم جنوب، افزود: از کلیه همرزمان، دوستان و اعضای خانواده شاهد جهت شرکت در این اقدام مهم، درخواست می‌شود تا جهت دریافت دفترچه‌های خاطره‌نویسی به بخش فرهنگی این بنیاد، مراجعه نمایند. در ضمن به بهترین اثر برگزیده نیز هدایای ارزنده‌ای اهدا خواهد شد.

توضیح اداره کل صنایع در خصوص تعطیلی ۱۶ واحد صنعتی در بوشهر

با توجه به درج مطلبی تحت عنوان «تعطیلی ۱۶ واحد صنعتی در بوشهر» در پیش شماره سیزدهم - دوشنبه ۱۱ خرداد ماه ۱۳۷۷، مراتب زیر را اعلام می‌دارد:

- از ۱۶ شرکت ذکر شده تعداد ۶ شرکت دارای سوابقی در این اداره کل می‌باشند که وضعیت آنان به شرح زیر است:

۱- شرکت بوشهر صنعت: پروانه واحد به علت عدم فعالیت در سالهای گذشته در تاریخ ۷۶/۳/۸ ابطال و زمین، ساختمان و تأسیسات آن شرکت جهت اجرای طرح صنعتی به شرکت دیگری واگذار گردیده است. ۲- شرکت قند حبه بوشهر گروه ۷۳: این شرکت اخیراً با نصب ماشین‌آلات مربوطه به بهربرداری رسیده و تولید آزمایشی خود را شروع کرده و قبل از این در این زمینه به بهره‌برداری نرسیده بود که تعطیل شود. ۳- شرکت پوشاک ملت گروه ۷۲: این شرکت چندین سال است که فعالیتی ندارد و با توجه به عدم پاسخ به پیگیریهای این اداره کل برای راه‌اندازی مجدد واحد، پروانه آن شرکت در تاریخ ۷۷/۱/۲۰ تعلیق گردیده است. ۴- شرکت تعاونی گروه ۱۰۵: این شرکت هیچگونه اقدامی در جهت احداث واحد بعمل نیاورده و بدین لحاظ جواز تأسیس شرکت مذکور در تاریخ ۷۲/۴/۱ باطل گردیده است. ۵- شرکت تعاونی گروه ۱۱۲: این شرکت هیچگونه اقدامی در جهت احداث واحد به عمل نیاورده و بدین لحاظ جواز تأسیس شرکت مذکور در تاریخ ۷۲/۴/۱ باطل گردیده است. ۶- شرکت تعاونی گروه ۱۲۰: این شرکت هیچگونه اقدامی در جهت احداث واحد به عمل نیاورده و بدین لحاظ جواز تأسیس شرکت مذکور در تاریخ ۷۲/۴/۱ باطل گردیده است. نتیجه‌گیری اینکه شرکتهای ردیف ۴- ۵ و ۶ هیچگاه واحدی را احداث نکرده و فعالیت تولیدی نداشته‌اند که تعطیل شده باشند و بتوان به آنها واحد تعطیل شده اطلاق نمود. مورد ردیف ۱ نیز با تغییر خط تولید به شرکت دیگری واگذار گردیده و انشاءا... در آینده با نصب ماشین‌آلات خط تولید، محصولات جدیدی را عرضه خواهد کرد. مورد ردیف ۲ نیز که مشغول فعالیت تولید آزمایشی است و تنها می‌توان از ردیف شما ۳ (شرکت پوشاک ملت گروه ۷۲) بعنوان واحد تعطیل نام برد. لازم به ذکر مجدد است که ۱۰ شرکت دیگر، تحت پوشش این اداره‌کل نمی‌باشند. خواهشمند است دستور فرمائید موضوع به نحو مقتضی به منظور رفع ابهامات احتمالی و توضیح بر مطلب عنوان شده در هفته نامه نسیم جنوب درج گردد.

«جواد نام‌آور جهرمی - مدیر کل صنایع استان بوشهر»

برادر بزرگوار جناب آقای دکتر انصاری استاندار محترم بوشهر

ضمن تقدیر و تشکر از حُسن انتخاب

جناب آقای شفقت

به سمت

فرماندار شهرستان دیلم،

بدینوسیله آمادگی خود را جهت هرگونه همکاری باایشان در پیشبرد اهداف عالیه دولت جمهوری اسلامی و فردای هرچه بهتر برای وطن اسلامی اعلام می‌داریم.

«اعضاء ستاد انتخاباتی حجة‌الاسلام خاتمی - شهرستان دیلم»

محکوم نمودن استیضاح وزیر کشور توسط پیروان خط امام (ره) در بوشهر

مجمع پیروان خط امام (ره) بوشهر با صدور اطلاعیه‌ای به استیضاح وزیر کشور اعتراض نمود. در این اطلاعیه آمده است: امت بزرگوار و محترم، دو میراث گرانبهایی که امام راحلمان جهت حفظ و بقاء نظام مقدس جمهوری اسلامی برایمان به ودیعه گذاشته است اصل اصیل ولایت فقیه و جایگاه الهی روحانیت معظم در نظام اسلامی می‌باشد، اینروزها با کمال تأسف عده‌ای ناآگاه ویا مغرض بدون توجه به سفارشات مکرر مقام عظمای ولایت مبنی بر مزموم بودن تضعیف دولت منتخب مردم و مورد تأیید آن حضرت، یکجا آن دو میراث گرانبهای امام راحل را نشانه رفته‌اند. از طرفی با نادیده گرفتن فرمان مقام معظم رهبری مبنی بر وحدت و حمایت از دولت از تبعیت از ولایت سرباز می‌زنند و از طرف دیگر با حمله به برجسته‌ترین مقام روحانی کابینهٔ رئیس جمهور روحانی مورد تأیید امام و مقام رهبری، موجبات تضعیف روحانیت اصیل را در جامعه فراهم می‌آورند. شایان ذکر است آن دسته از نمایندگان محترمی که در دوم خرداد ماه هفتاد و شش راه خود را از ملت قهرمان ایران اسلامی جدا نمودند هنوز با گذشت یکسال از آن حماسه شکوهمند موفق به یافتن مسیر ملت و درک خواست آنان نگردیده و با تدارک جریان استیضاح وزیر محترم کشور و روحانی برجستهٔ کابینه، بر اشتباه جدائی خود از ملت پا می‌فشرند و درست در زمانی که وزیر محترم کشور برادر و دوست کویت در کشور ما حضور دارد و برای تحکیم روابط بین‌الملل اسلام حضرت حجة‌الاسلام والمسلمین عبدالله نوری وزیر محترم کشور با وی به مذاکره می‌نشیند تعداد قلیلی از نمایندگان محترم مجلس بر خلاف انتظار عموم ملت سلحشور کشور در حمایت از دولت و وزرای کابینه و تحقق سخنان مقام معظم رهبری مبنی بر ایجاد جو تفاهم در مقطع کنونی کشور و عدم ایجاد تشنج، گام بر می‌دارند.مجمع پیروان خط امام (ره) بوشهر بیعت مجدد خود را با رهبری انقلاب اسلامی اعلام داشته و حمایت همه جانبهٔ خود را از وزیر محترم کشور اعلام می‌دارد.

باارسال نامه‌ای به رئیس مجلس

بازاریان بوشهر خواستار رای اعتماد مجدد به وزیر کشور شدند

عده‌ای از بازاریان شهر بوشهر با ارسال نامه‌ای به رئیس مجلس خواستار رای مجدد نمایندگان به وزیر کشور گردیدند در قسمتی از این نامه که خطاب به رئیس مجلس نوشته شده، آمده است :

با دور اندیشی و درایتی که از حضرتعالی سراغ داریم به جهت ایجاد همدلی دولت و مجلس ،انتظار داریم نمایندگان محترم مجلس با رأی قاطع خویش به وزیر محترم کشور هرگونه شائبه و سوءظن مبنی بر رویاروی دولت و مجلس را از بین ببرند

آتش سوزی در دفتر یکی از اساتید دانشگاه خلیج فارس

ساعت ۲ بامداد روز جمعه اتاق کار یکی از اساتید دانشکده مهندسی در آتش سوخت. به گزارش خبرنگار ما، نگهبان درب دانشگاه بعد از اطلاع از این موضوع آتش‌نشانی را خبر کرده و آنها نیز فوراً آتش را خاموش کردند. به گفتهٔ تعدادی دانشجویان کلاسهای درس دکتر منجم که قرار بود روز جمعه در دانشکدهٔ مهندسی انجام شود به دانشکده علوم پایه انتقال یافت. به گفتهٔ یکی از مسئولین مربوطه دانشگاه، کپسولهای ایمنی دانشگاه به علت گذشتن از تاریخ مصرف، کار نکردند. هنوز علت این آتش‌سوزی مشخص نشده و کارشناسان آتش‌نشانی نیز در خصوص علت این آتش‌سوزی اعلام نظر نکردند.خبرنگار ما می‌افزاید که استاد مربوطه نیز خود صبح روز شنبه از این موضوع اطلاع یافت و به دلیل ناراحتی حاضر به مصاحبه نشد، ولی یکی از اساتید (مهندس زارع‌پور) در اینباره گفت:«هنوز مشخص نیست که چرا اینگونه شده ولی واقعاً جای تأسف دارد زیرا برای یک استادی که تمام وسایلش در دفتر کارش است ، این دفتر حکم زندگی یک استاد را دارد. خود ایشان (استاد مربوطه) می‌گویند تمام چراغها و کولر را خاموش کردم، ولی با این وجود مطمئن نیستم.» از وسایل داخل اطاق فقط کولر سالم است. رئیس دانشکده مهندسی علت این موضوع را اتصالی برق دانست و گفت دلیل دیگری نمی‌تواند داشته باشد. تعداد زیادی از دانشجویان از این اتفاق اظهار تأسف کردند.

چند خبر کوتاه از استان بوشهر

* در هفته قبل، جلسه‌ای با حضور مسئولین شورای اداری شهرستان دیر، هنرمندان و مدیران کانونهای فرهنگی و هنری مساجد این شهرستان با مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی در محل فرمانداری آن شهرستان برگزار گردید.

در این جلسه مشکلات موجود در راه فعالیتهای فرهنگی در شهرستان دیر بررسی و مقرر گردید که اقدامات لازم برای این مشکلات بعمل آید.

* با همکاری ستاد اقامه نماز استان بوشهر، گردهمایی رابطین نماز ادارات، سازمانها و ارگانهای شهرستان بوشهر در سالن اجتماعات اداره کل تعاون برگزار گردید.

به گزارش روابط عمومی این اداره، در این جلسه مدیر کل تعاون، مسئول ستاد اقامه نماز استان و قائم مقام ستاد اقامه نماز کشور پیرامون ترویج نماز، اهداف و وظایف ستادهای اقامه نماز به سخنرانی پرداختند.

* میزان گندم خریداری شده از کشاورزان استان به بیش از ۷۴ هزار تن رسید، بر اساس گزارش سازمان تعاون روستایی استان از این میزان افزون بر ۶۰ هزار تن به سیلوها و کارخانجات تحویل داده شده است.

* با بهره‌برداری از ۳۰ واحد مرغداری، میزان تولید گوشت مرغ در استان تا پایان سال آینده به ۹۲۰۰ تن خواهد رسید که این رقم نیاز استان را تأمین خواهد کرد.

* تا پایان امسال همه روستاهای بالای ۲۰ خانوار جمعیت از تسهیلات نیروی برق بهره‌مند می‌شوند

رئیس جهادسازندگی استان بوشهر با اعلام این مطلب گفت: ۵ میلیارد ریال اعتبار در سال جاری برای تکمیل مجتمع‌های آبرسانی در سطح روستاهای استان بوشهر اختصاص یافته است.

* پیش‌بینی می‌شود امسال ۲۰۰۰ تن خرما از نخلداران استان خریداری شود. رئیس سازمان تعاون روستایی دشتستان ضمن بیان این مطلب افزود: هر ساله رقمی در حدود ۷۰ تا ۸۰ هزار تن خرما در منطقه دشتستان تولید می‌شود.

* در جلسه تعزیرات حکومتی ویژه امور گندم، آرد و نان شهرستان بوشهر که در فرمانداری بوشهر تشکیل گردید، پس از رسیدگی به چند فقره پرونده به دلیل کم‌فروشی نان، نامرغوبی نان، عدم رعایت نوبت، عدم رعایت بهداشت، عدم حضور متصدی و عدم برخورد شایسته با بازرسین مطرح و متخلفین به ۵۶۷ هزار ریال جریمه نقدی محکوم گردیدند.

دزد دوچرخه در کانون فیلم

«دزد دوچرخه» اثر "ویتوریادسیکا" کارگردان معروف ایتالیایی، عنوان فیلمی است که چهارشنبهٔ همین هفته رأس ساعت ۴:۳۰ دقیقه در کانون فیلم نمایش داده می‌شود. پس از فیلم نیز جلسهٔ نقد و بررسی برگزار می‌شود.

توضیح دفتر حجة‌الاسلام حاجیانی در خصوص جوابیه ایشان در نسیم جنوب

در آخرین دقایقی که نسیم جنوب برای چاپ آماده می‌شد نامه‌ای از طرف دفتر حجة‌الاسلام حاجیانی نماینده مجلس، در ارتباط با درج جوابیه ایشان در نسیم جنوب به دستمان رسید.دراین نامه ذکر شده‌است که

« به علت عدم پرداخت هزینه جهت درج کامل جوابیه از طرف نماینده محترم، چنانچه فردی حاضر به پرداخت هزینه مذکور گردد، اعلام تا اقدام به درج کامل جوابیه گردد». لازم به ذکر است که بر اساس قانون مطبوعات این نشریه ملزم به چاپ جواب این نماینده محترم ،حداکثر تا دو برابر انتقادی که از ایشان شده است می‌باشد. که این امر در همین شماره صورت گرفته است ، برای درج بقیه جوابیه ۲۳ صفحه‌ای این نماینده محترم از ایشان درخواست گردید که سهمی از هزینه اضافی که از این بابت بر نشریه می‌رود را متقبل شود، که اظهار داشتند که این امر امکان پذیر نمی‌باشد. بدیهی است که در صورت تحقق شرایط فوق ،نسیم جنوب ،بقیه جوابیه ایشان را در اولین فرصت ممکن به چاپ خواهد رساند.

ناخدای سینه‌زنی بوشهر

سرگذشت نوحه‌خوان شهیر بوشهری «ناخدا عباس دریانورد»

کاری از گروه موسیقی محلی مروارید لیان - به تحقیق محسن شریفیان

... یاد «عباس دریانورد» معروف به "ناخدا عباس" را بدون ... باید برجسته‌ترین و پرکارترین نوحه‌خوان بوشهری ... وی در آهنگسازی نوحه‌هایی که خود می‌سرود ... خاص داشت که با اجرای فوق‌العادهٔ آنها در بوشهر ... تازه‌ای را برای سینه‌زنی بوشهر گشود. پیش از ناخدا ... تا این اندازه نوحه‌خوانی، نوحه‌سرائی، آهنگسازی و ... سینه‌زنی در عزاداری خاندان پیغمبر (ص) خصوصاً ... بن علی (ع) گسترش نیافته بود و به این زیبایی و ... اجرا نمی‌شد زیرا که از همین شخص و همان دوره ... نوحه‌خوانی بوشهری به تمام سواحل خلیج فارس، از ... عباس گرفته تا خوزستان کشانده شد، که این نشانهٔ ... و خدمات ارزندهٔ او در احیای این مراسم است. هنوز ... آهنگی نتوانسته جایگزین آثار ارزشمند ناخدا عباس ... نوحه‌خوانی شود چرا که نه تنها در آن زمان بلکه هم ... نیز در مراسم سینه‌زنی وبعنوان بهترین نوحه‌ها در ... کشور از آنها استفاده می‌شود و نام او همانند آثارش ... است.

شادروان ناخدا عباس فرزند ناخدا احمد در سال ۱۲۵۵ ... شمسی در خانواده‌ای دریانورد از دیار همین آب و ... (بوشهر) دیده به جهان گشود و نام خانوادگی خود را به ... دلیل دریانورد انتخاب نمود. او از سال ۱۲۶۷ در سن ... سالگی به همراه پدرش به دریاپیمایی پرداخت و در این ... مهارت چشم‌گیری یافت، بطوریکه در خصوص ... او صحبتهای زیادی نقل و مکتوب شده است، که نه ... اسباب افتخار هر بوشهری بلکه هر ایرانی در ... دریانوردی می‌باشد و باید گفت بررسی مفصل دریانوردی او ... مورخان این رشته قابل تأمل و تفحص است.

... از مؤلفان چون فرج‌الله رسایی و اسماعیل رائین در ... «۲۵۰۰ سال بر روی دریاها» و «دریانوردی ...» ناخدا عباس یا کاپیتان عباس خدمات بزرگی در ... و علامت‌گذاری راههای آبی و سواحل ایران برای ... و نیروی دریایی زمان خود انجام داده است. همین ... مؤلفان می‌نویسند که «ناخدا عباس، ناخدای معروفترین ... مظفری بوده است» این ناو دومین ناو جنگی ایران به ... می‌آید که در زمان ناصرالدین شاه قاجار بعد از به گل ... نشستن پرسپولیس (پاچم پولیس) در دورهٔ ناصرالدین شاه ... Selika خریداری شده بود.

مرحوم ناخدا عباس دریانورد که در زمرهٔ یکی از اولین و ... مشهورترین کاپیتانهای دورهٔ مظفرالدین شاه قاجار ... محسوب می‌شود، از راه دریا به آفریقا، هند، چین و دیگر ... نقاط دنیا مسافرت کرده که همگی گواه بر تجربه‌های او در ... دریانوردی می‌باشد. بواسطهٔ همین معاشرتها بود که ... می‌شود وی به ۶ زبان زنده دنیا (عربی، انگلیسی، ... آلمانی، فرانسوی و ژاپنی) به غیر از زبان مادری ... آگاهی داشته و مکالمه می‌کرده است. که آشنایی او با ... زبان اول بیشتر مورد تایید و اتفاق مطلعین است. در ... همین خصوص با بررسی اشعار نوحه‌های ناخدا عباس به ... قسمتی از نوحهٔ سروده شده وی که به زبان هندی(اردو) و ... می‌باشد اشاره می‌کنم که جا دارد از آقای «داریوش ... - نوحه‌خوان بوشهر» که نوحه را در اختیار حقیر قرار ... تشکر کنم.

... زن بر سر و سینه در این بزم عزا
... صد شور نوا
... شد کشته حسین در سفر کربیلا
... دم تیغ جفا

... جور اُطا ببیته انکار نهی
... مانجا دِل بِندوکا(۲)
Setemou joure outansetou enkar ne...
Maneja delnedu...
... بستان غریبان که سِزاوار نهی
... دم تیغ جفا
Borseane ghariban ke sezavar ne...
Az deme tighe je...
... کو دِل جِلگهٔ اُستن که شاهنشه دین
Mam ku del jelgega ostanke shahanshehe ...
... زمین کوپِر اَگهی چِتِنِ سِتَم جور جفا
... از دم تیغ جفا
Zemin ku per agehi jeteneh setam jurouje...
Az deme tighej...

... در خصوص این نوحه که قطعه‌ای از آن به زبان و آهنگ ... هندی (اردو) سروده شده است، مطلعین دیرینه سال محلهٔ ... شنبدی به نقل از گذشتگان خود می‌گویند که این شعر و ... آهنگ توسط ناخدا اجرا شده است و دلیل سرودن آن وجود ... چند نفر هندی (کارکنان کشتی) در تماشای مراسم ... سینه‌زنی بوده است. ناخدا برای اینکه این اشخاص نیز در ... عزاداری ما شریک باشند و ارتباط لازم را با آنها برقرار ... سازد و همینطور برای اینکه در این دیار و این رسم احساس غربت نکنند قسمتی از نوحهٔ خود را با تسلط کامل به این شکل می‌خواند. (این نوحه اکنون در بوشهر خوانده نمی‌شود ولی در آبادان،درمحرم امسال توسط آقای سعید سیاوشی اجرا گردیده است.) اما در مورد دیگر نوحه‌های هندی او باید گفت ناخدا عباس گاهی وقتها که درایام عزاداری بنا به مقتضیات کاری در هند بوده، عزاداری اهل‌بیت را در آنجا فراموش نکرده و شاید به همین دلیل بعضی از اشعار و نوحه‌های خود را به این زبان تنظیم کرده است.

در خصوص آشنایی ناخدا عباس با موسیقی نیز باید گفت که وی علاوه بر شناختی که از آهنگهای رایج آن زمان ایران داشته به آهنگهای عربی و هندی نیز در حد خویش آگاه بوده، که این امر بر شیوهٔ آهنگسازی او تأثیرگذار بوده است که در این مورد می‌توان برای مثال از آهنگهای شعر «شیعه‌زن به سر ...» که به راک هندی معروف است و «قتل شاهنشه کون مکان...» او، که ویژگیهای موسیقی هندی و



عکس از کتاب مجموعه نوحه‌های عزاداری سنتی بوشهر

عربی در آن محسوس است نامبرد. نکته دیگر که در خصوص آشنایی وی با موسیقی نقل می‌کنند این است که عده‌ای می‌گویند ناخدا عباس پیانو را هم می‌نواخته است که البته برای این ادعا با توجه به بررسی زندگی او دلیل قانع‌کننده‌ای وجود ندارد.

شادروان عباس دریانورد هنگام سکونتش در بوشهر اغلب در مسجد شنبدی به نوحه‌خوانی می‌پرداخته است و از قدرت بداهه‌خوانی و تسلطی بی‌نظیر در این امر برخوردار بوده است. ذکر این خاطره از نوحه‌خوانی او که به نقل از عبدالمجید درخشانیان و حسین سهرابی که از زبان گذشتگان خود نقل می‌کنند و مورد تأیید و اتفاق نیز می‌باشد، این ادعا را ثابت می‌کند:

«شبی از شبهای عزاداری، ناخدا عباس در مسجد شنبدی به نوحه‌خوانی می‌پردازد، در اوائل نوحه‌خوانی بوده که در میان تماشاگران متوجه خنده و به تمسخر گرفتن مراسم سینه‌زنی توسط دو نفر تاجرزاده بوشهری که تازه نیز از فرنگ برگشته بودند می‌گردد. ناخدا عباس با دیدن این صحنه متأثر می‌شود و بلافاصله دستور واحد را صادر می‌کند. سینه‌زنها که از واحد نابجا و زود هنگام ناخدا تعجب می‌کنند، با سکوت کامل به نوحهٔ واحد ناخدا که با آهنگ واحد «نوبت جنگ» نیز خوانده شده بود گوش فرا می‌دهند. ناخدا عباس که در آن زمان بدون توجه به مقررات دولتی بایونیفرم دریانوردی خود نوحه‌سرائی می‌کرده با تعلیمی‌ای (چوبدستی سبکی که معمولاً افسران ارتش در دست می‌گرفتند) که در دست داشته به آن دو اشاره می‌کند و خطاب به آنها این دو بیت را فلبداهه می‌خواند:

بعضی از مردم نااهل بدتر زیهود
در عزای شه دین خنده نمودند، چه‌سود؟
بگو ای کافر بد مسخره بهر تو چه بود
این تقاضا همه از نطفهٔ شیطان آمد

بعد از خجالت کشیدن و بیرون رفتن دو جوان، ناخدا سینه را به زیر واحد برمی‌گرداند.»

مرحوم ناخدا عباس با اینکه به نقل از اسماعیل رائین در کتاب دریانوردی ایرانیان «بیش از چند هزار بیت از اشعار شعرای فارسی زبان را از حفظ داشته است» ولی خود در سرودن اشعار قوی نبوده است. اشعار نوحه‌های ناخدا عباس که اغلب به وزن مترهای آهنگ خود (ضرب و آهنگی) می‌سروده است از نظر فن شعرگویی، به دلیل زیبایی آهنگهای اشعارش و اهمیت موضوع، این ضعف برای شنونده و سینه‌زن محسوس نیست، ولی باید در نظر داشته باشیم که این اشعار برای شخصی که سواد خواندن و نوشتن را از مکتب خانه‌های محدود آن زمان فرا گرفته است و همینطور برای شخصی که هیچ دوره و استادی در زمینهٔ ادبیات نداشته است، قابل ارزش و تحسین است.

ناخدا عباس همانند سایر نوحه‌خوانهای این دیار به خاندان پیغمبر (ص) ارادتی بخصوص داشت و همواره با خواندن نوحه نام و یاد مظلومیتهای این خاندان را زنده نگه می‌داشت. او مردی مؤمن، متدین،وارسته، وظیفه‌شناس و بسیار جدی بود و همواره اطرافیانش را در این راستا پند می‌داد. وی در حیطهٔ کاری خود یک شخصیت ملی بود که با رجال و سیاستها آن زمان آشنا و آگاهی داشت و بعضاً در همین مسائل، تند مزاج و تا حدی مبارز بود. او مردی ایران دوست بود که به آبهای نیلگون خلیج فارس علاقه و حساسیت زیادی داشت.

ناخدا عباس دریانورد با سمتهای مختلفی، تحت پوشش نیروی دریایی مشغول به خدمت بوده است و درآمد ناچیز خود را از همین راه کسب می‌نموده است. وی بعد از سالها زندگی در بوشهر (محلهٔ زیارتیها در جبری) بخاطر شرایط کاریش به خوزستان (شاهپور و اهواز) منتقل شد که در آنجا نیز به نوحه‌خوانی پرداخت. او با اینکه در اواخر عمر به دلیل کهنسالی توان ایستادن را از دست داده بود، ولی بر روی صندلی می‌نشست و برای عزاداران خوزستانی نوحه‌خوانی می‌نمود، تا اینکه سرانجام در سیزده بدر سال ۱۳۳۲، هنگامی که مردم به تماشای طبیعت می‌رفتند، روی در نقاب خاک پنهان ساخت و به این ترتیب ۷۸ سال زندگی پر از ماجرای خود را در اهواز به پایان رسانید.

پیکر آن شادروان با جمعیت زیادی از تشیع کنندگان بوشهری و خوزستانی و با حضور عده‌ای از پرسنل نیروی دریایی که غرق در ماتم او شده بودند، همراه با نواختن سنج و دمّام در امامزاده علی بن محمد(ع) باقر مدفون گردید وآنطور که نقل می‌کنند بر روی سنگ مزارش این بیت او را نوشته‌اند.

من از خدمت آب و این خاک پاک
نیاسوده‌ام جز به وقت هلاک

آری هنوز اهالی آن حدود، ضمن زیارت از امامزاده، برای آن مرحوم که طنین نوحه‌های غم‌انگیزش در گوش و جانشان باقی مانده است نیز فاتحه می‌خوانند و بعضی شبها بر روی مزار شریفش به رسم یادبود شمعی روشن می‌نمایند. روحش شاد و خداوند او را بیامرزد. او رفت و گنجینه‌ای از نوحه را که همراه با سینه‌زنی، تازه خواهند ماند برای ما به جای گذاشت.

ناخدا دارای دو پسر و سه دختر بود که بعد از مرگ او دخترش حاجیه مریم جان دریانورد آهنگهایش را در مجالس روضه‌خوانی هیئتهای بوشهری که در تهران تشکیل می‌شود اجرا می‌کند. علی سیاوشی نیز بعد از استادش ناخدا عباس یکی از بهترین وارثان نوحه‌خوانی و آهنگهای او می‌باشد. سیاوشی که یکی از تنهاترین و بهترین شاگردان مستقیم ناخدا عباس می‌باشد، اکنون در آبادان زندگی می‌کند، که فرسودگی و کهنسالی بعد از ۷۸ سال سن، توان نوحه‌خوانی را از او گرفته است.

هم اکنون در بوشهر به غیر از آنهایی که در خوزستان (آبادان یا اهواز) با او ملاقات و یا با او سینه زده‌اند، محدود کسانی هستند که او یا نوحه‌خوانی او را دیده باشند.نگارنده بعد از بررسی زندگی و تا حدی آثار آن مرحوم که اکثر آنها نقل قول از گذشتگان می‌باشد، متوجه گردیدم که به غیر از کتابهای ذکر شده، کتابی با عنوان «شرح حال و اشعار ناخدا عباس دریانورد» که به کوشش علی‌نقی بهروزی تهیه شده است، دربارهٔ آن مرحوم وجود دارد. بعد از یافتن کتاب که بسیار نیز نایاب بود نوشته‌های خود را با کتاب مذکور منطبق ساختم و مطالب مورد نیاز را که در دسترس نبود از آن کتاب اقتباس کردم. درگوشه‌ای از همین کتاب شعری به طبع مرحوم زنده یاد محمد شریفیان در سوگ ناخدا نوشته شده بود که نشانهٔ ارتباط و صمیمیت او با نوحه خوانهای بوشهری و همشهری خود می‌باشد.

تو ای دریانورد آخر به زیر گِل وطن کردی
زهجرت دوستانت را به سختی در محن کردی
تو بودی ذاکر شاه شهیدان زادهٔ زهرا
همیشه یادی از مظلوم بی‌غسل و کفن کردی
...
تو رفتی ناخدا آسوده گشتی از غم دنیا
دل بوشهریان از مرگ خود بیت‌الحزن کردی
شریفیان بگوید تسلیت بر جمله یاران
چراکه ذاکری بهر شه دین و زمان کردی

در پایان با آوردن مطلع شعر چند آهنگ معروف او این شرح حال را به پایان می‌برم:

کشته شد نوگل زهرا به شمشیر سنین
نوگل باغ حسن قاسم داماد حسین
***
قتل شاهنشه کون و مکان است
یا عزای شه عالمیان است
***
شیعه شد ماه صفر زنید و بر سر
با ناله و زاری در این ماتم سرا
***
نوبت جنگ به سالار شهیدان آمد
بر در خیمه شاهنشاه غریبان آمد
***
لبالب گشته از خونابهٔ غم راغم دلها
الا یا ایها الساقی ادرکاساً و ناولها
(اقتباس از شعر حافظ)
***
شیعه زن به سر زره وفا، به عزای نوگل مصطفی
که بریده شمر لعین زکین، سر آن جناب را از قفا

شناختی از فرزندان فتحعلیشاه قاجار

● عبدالحسین احمدی ریشهری

هنوز این مطلب از کتاب درسی «تاریخ ایران» در دورهٔ دانش‌آموزی به خاطر دارم که وقتی کلاس ششم ادبی (سال ۱۳۴۴) بودم، د رمبحث مربوط به سلطان فتحعلی‌شاه با موضوعی تحت عنوان «مرگ فتحعلیشاه و صفات او» نوشته بود: وی، ۶۸ سال عمر و ۳۸ سال پادشاهی کرد، پادشاهی بود عیاش و خوشگذران، علاقه شدیدی به کثرت زن و کثرت اولاد داشت. هنگام مرگ پادشاه، ۵۷ پسر و ۴۶ دختر و ۵۶۱ نوهٔ پسری و دختری از او باقی مانده بود.

اکنون که افتخار معلمی درس تاریخ را دارم، هرگاه پرسشی در این زمینه از جانب دانش‌آموزان مطرح می‌شود همان آموخته‌های دورهٔ دبیرستانی خود را بر زبان آورده و در عین حال با استناد به کتاب «تاریخ عضدی» تألیف شاهزاده عضدالدوله «سلطان احمد میرزا» (با مقدمهٔ عبدالحسین نوائی، چاپ ۲۵۳۵ شاهنشاهی) تعداد پسران شاه رابه ۶۰ نفر، و دختران وی را ۴۸ نفر تصحیح می‌نمایم.

درست در شب دوم نوروز ۷۷ بود که یکی از شاگردان تلفنی مرا به باد انتقاد گرفت و گفت: در روزنامه «نسیم جنوب» مقاله‌ای از دکتر سیدجعفرحمیدی خواندم که در آن از فرزندان شاه یادکرده و او بر عکس شما، تعداد فرزندان وی را بیش از یکصد و بیست پسر و هشتاد دختر نوشته است. سپس اضافه نمود با این دوگانگی گفتار براستی نمی‌دانم قسم حضرت عباس باور کنم یا دم خروس.

گفتهٔ این دانش‌آموز کنجکاور را با جان و دل پذیرفتم و پس از آن با پیش زمینه قبلی از این مقالهٔ دکتر حمیدی که در پیش شماره چهارم نسیم جنوب (ص ۴ ویژه نوروز ۷۷) خوانده بودم، باز به کتاب «تاریخ عضدی» رجوع نموده و به شمارش دوبارهٔ دختران و پسران فتحعلیشاه پرداخته و دیدم: تعداد دختران را به ترتیب سال تولد ۴۸ نفر (ص ۳۱۶ تا ۳۲۲) و پسران را (باز هم به همان ترتیب و در جدولی جداگانه) ۶۰ نفر (ص ۳۲۳ تا ۳۲۵) ضبط کرده و نخستین دختر را «همایون سلطان خانم» و آخرین را «بدرجهان خانم» ملقب به «ماه باجی» و نیز نخستین پسر را «محمدعلی میرزا» ملقب به دولتشاه و آخرین آنان را «سلطان حسین میرزا» ذکر نموده است.

در پایان این مقاله از جناب آقای دکتر حمیدی استدعا دارم سخن بنده را با عیب‌گیری همراه ندانند و اگر مأخذی مستندتر از نوشته‌های «سلطان میرزا» یعنی پسر خود شاه دارند، ما را مطلع نمایند.

رفع اشکال از مقاله «نمایش مقدس در ریشهر»

● حاج محسن گرانبها

در پیش شماره یازدهم «نسیم جنوب» - ۱۳۷۷/۲/۲۸ - مقاله‌ای تحت عنوان «نمایش مقدس در ریشهر» از آقای حسین دهقان را خواندم. نظر به اینکه مقاله مزبور دارای اشکالات فراوانی بود و لزوماً نیاز به تصحیح و ارائه بعضی مطالب آن دارد، از سردبیر محترم روزنامه نسیم استدعا می‌شود مطالب اینجانب (تعزیه گردان همان نمایش مقدس در ریشهر) را هم به جهت اطلاع کسانیکه سخت از مقاله مزبور ناراحت شده‌اند وهم بخاطر آن که نویسنده آن مقاله به هنگام نگاشتن موضوعات دیگر (در آینده) از همین دست دقت بیشتری منظور دارد، درج نماید.

هر چند ماه محرم به پایان رسیده است اما اگر پیش درآمد سخن خود را با این دو بیت آغاز کنم شاید خالی از لطف نباشد.

«محرم آمد و آمد محرم / زمین و آسمان شوریده درهم
محرم آمد و وقت عزا شد/ زمین کربلا ماتم سرا شد»

نویسنده مقاله ، سرآغاز مطلب خود را با این سخن شمر - به هنگام ورود به میدان - پی می‌گیرد «ایها الناس نه من شمر،نه این حسین است و نه اینجا کربلا باشد، من هم یکی از ذاکران‌زادهٔ حیدر هستم» لازم به تذکر است که «هستم» را باید در جمله حذف نمود و برای آن که به موسیقی کلام لطمه‌ای وارد نیاید، مطلب را اینگونه خواند: «ایها الناس! نه من شمر و ، نه این حسین است و نه اینجا کربلا باشد،همنم یکی از ذاکران‌زادهٔ حیدر.» وی، در یادی که از برگزارکنندگان تعزیه (درگذشته) ریشهر می‌کند، همهٔ آنان را فوت شده می‌خواند. در حالیکه چنین نیست و تعدادی از این عزیزان نامبرده هنوز در قید حیاتند از جمله کسانیکه به عنوان مرحوم یا مرحومه یاد شده‌اند یکی آقای «سیدبزرگ موسوی» (از مردان) و دیگر «سکینه صفائی» و «بی‌بی‌شاه گرانبها» از زنان است.

برای اینکه سه نفر یاد شده را بهتر بشناسیم، باید یادآور شد آقای «سیدبزرگ موسوی» پسر دوم مرحوم سیدکوچک (شاه کوچک) موسوی، یکی از پیشکسوتان بازی فوتبال در بوشهر (در تیم خلیج سابق)، اکنون در کرج به سر می‌برند. «سکینه صفائی» خواهر مرحوم مشهدی غریب صفائی و همسر آقای مرحوم محمود صمدی، همین امسال نقش خود را به زیبایی هر چه تمامتر اجرا کرد و «بی‌بی‌شاه گرانبها» نیز (برادرزاده اینجانب) هنوز عمری از وی نمی‌گذرد و فقط در یکی دو مورد در دههٔ اخیر، در نقش مادر علی‌اکبر ایفای نقش نموده است. ضمناً بسیار کسان دیگر بوده که همه ساله در تعزیه حسینی نقش اساسی داشته‌اند و ما، ذکر نام این عزیزان را در مقوله دیگر بیان می‌داریم.

نسیم جنوب



مصطفی گراشی، نوحه خوان نامدار بوشهری:

در سینه‌زنی بوشهر، سبکی وجود نداشته است

« مصطفی گراشی یکی از بهترین نوحه‌خوانان بوشهری می‌باشد وی ۴۱ سال سن دارد و اکنون ریاست مجمع امور صنفی توزیعی خدماتی بوشهر را به عهده دارد. در این هفته به مناسبت اربعین سالار شهیدان حسین‌بن‌علی (ع) و در ادامه گفتگوهای نسیم جنوب با شخصیتهای مطرح موسیقی مذهبی بوشهر با ایشان نیز مصاحبه‌ای داشته‌ایم که در زیر می‌آوریم.»

□ لطفاً برای خوانندگان نسیم جنوب بفرمائید از چه سالی و چگونه نوحه‌خوانی را آغاز نموده‌اید؟

● من از سن ۱۳ سالگی شروع کردم و ابتدا در سال ۱۳۵۱ با نوحه‌خوانی در مسجد برازجانیها (توحید) و بعد از آن همزمان در سال ۱۳۵۴ به پیشنهاد مرحوم جهانبخش کردی‌زاده در مسجد صاحب‌الزمان (عج) (محله خرمائی) به نوحه‌خوانی پرداختم تا اینکه بعد از فوت مرحوم کردی‌زاده به جای ایشان در مسجد دهدشتی عهده‌دار این امر شدم و بعد از آن تا کنون فقط به نوحه‌خوانی در همین مکان مشغول هستم. در اینجا لازم می‌دانم خاطر نشان کنم که راهنمایی‌های شخصی به نام مشهدی حسین‌پور رحیم که اکنون فوت شده است در ابتدای نوحه‌خوانی من بسیار مؤثر بود و همین شخص بود که من را برای اولین بار به نوحه‌خوانی د ر مسجد برازجانیها (توحید) دعوت و معرفی کرد که یادش راگرامی می‌دارم.

□ شما در طول نوحه‌خوانی خود پیرو چه سبک یا شیوه‌ای در این امر بوده‌اید؟

● اول بگویم به نظر من سبکی در سینه‌زنی بوشهر وجود نداشته است. ولی من در شروع کار خود، پا به پای مرحوم کردی‌زاده کار کردم طوری که اگر شخصی که زیاد دقیق نبود دور از مسجد صدای من را می‌شنید، فکر می‌کرد بخشو می‌خواند و این عمل طبیعی است، بالاخره من باید از یک جایی شروع می‌کردم ولی بعد بنا به توصیهٔ بزرگان سعی کردم برگردم به خویشتن خویش و خودم باشم.

□ شما قبل از پاسخ به سؤال دوم بنده وجود سبک را در نوحه‌خوانی بوشهر رد کردید. می‌توانید در اینباره برای خوانندگان توضیح بیشتر بفرمائید؟

● ما اول باید تعریفی داشته باشیم از سبک، ما سبک را به چه می‌گوئیم؟من زمانی که پا به عرصه نوحه‌خوانی گذاشتم مصادف بود با اواخر نوحه‌خوانی مرحوم شریفیان و نوحه‌خوانی مرحوم کردی‌زاده. من هیچگونه تفاوتی را در ارائه اصل نوحه‌خوانی آنها مگر تفاوتهای اندکی که در صدای آن‌ها وجود داشت ندیدم؟ کسان دیگری نیز می‌خواندند و هیچ گونه تفاوتی در اصل نوحه‌خو انی، با این اشخاص نداشتند و همگی آنها چیزی جز آنچه که از نسل گذشتهٔ خود به امانت گرفته بودند، نمی‌خواندند، حال اینکه وقتی می‌شنوم سبک شریفیان یا سبک کردی‌زاده یا غیره برایم مفهومی ندارد و هیچ احساسی نمی‌کنم.

□ چیزی که شما مطرح می‌کنید تفاوت در اصل نوحه‌خوانی است و ما نیز هیچگونه تفاوتی نمی‌بینیم و همه در اصل، نوحه‌خوان هستند ولی منظور من این است که یک تفاوتی در خواندن نوحه میان نوحه‌خوانان است که آنها را از هم جدا می‌کند، مثلاً یکسری ویژگیهایی در خواندن نوحهٔ لبالب شما وجوددارد که آن را متمایز می‌کند با اصل آهنگ لبالب ناخدا عباس در حالیکه در اصل نوحه یکی است. این ویژگی شما در نوحهٔ لبالب شیوهٔ (سبک) خاص شما است و تحریری و نفس گیریهای آهنگ لبالبی که به ناخدا عباس نسبت می‌دهند ویژهٔ او می‌باشد درحالیکه هر دو در یک چارچوب می‌خوانید.

● برداشت من این نیست.من اینطور مثال می‌زنم، مثلاً خواندن شجریان با ویژگی‌های خاص خودش، یک سبک است و خوانندگی در بوشهر (بندری) یک سبک دیگر است. شجریان یک سیستم خاص خودش را دارد و خواننده‌های ما یک سیستم خاص خودشان.

□ چیزی که شما می‌گوئید، نوع موسیقی است که به نوع اول یعنی خواندن شجریان اصطلاحاً موسیقی سنتی و به نوع دوم یعنی خواندن خواننده‌های بوشهری (بندری) موسیقی فولکلوریک یا محلی می‌گویند، حال آنکه این موضوع با سبک و شیوهٔ مورد بحث ما متفاوت است.

● ما خمیرمایهٔ کل مطالب و آهنگهایی راکه برای مداحی و سینه‌زنی در بوشهر به کار می‌بریم، یک سبک می‌دانیم و سبک را عبارت از تنوعاتی که در اصل سنتهاو آداب و رسوم و گویش‌ها که در سطح جامعه وجود دارد، می‌دانیم و همانطور که مثال زدم در موسیقی محلی خودمان (بندری) مطرح است و موسیقی‌ای که شجریان بعنوان موسیقی اصیل ایرانی ارائه می‌کند،از حیث سبک متفاوت است. بنابراین به نظر بنده است، (شاید اشتباه هم باشد).که کل نوحه‌هایی که در حال حاضر در بوشهر مطرح است یک سبک است و تفاوتها در ارائه مطالب و روشهای اشخاص است.

□ من قبلاً اشاره‌ایی داشتم ولی مجدداً با طرح یک سؤال که از اول مصاحبهٔ خودتان گرفتم توضیح می‌دهم. شما گفتید در اوائل همانند مرحوم کردی‌زاده می‌خواندید و بعد خودتان شدید، حالا چه تفاوتی بین خواندن بخشو و خواندن شما وجود دارد که شما می‌توانید بگوئید مثل بخشو نمی‌خوانم؟

● یک وقتی من تقلید می‌کنم و همهٔ الگو و هدفم این است که همانند مرحوم بخشو بخوانم، برای بنده جاهایی که مرحوم بخشو مثلاً حتی ناخواسته نفس هم خورده‌اند، ملاک است و بدو ن هیچگونه کم و کاستی، اجرای بخشو را تقلید می‌کنم، اما می‌گویم از آن حالت تقلید جدا می‌شویم، و نگرش و برداشت خودمان را از آن نوحه و آهنگ، از کارهایمان نمایان می‌سازیم. می‌گوئیم آیا می‌شود نوحه لبالب را با چند سبک خواند، جواب می‌دهیم که نه. همهٔ نوحه لبالب با یک سبک خوانده می‌شود ولی اشخاص، متفاوت خوانده‌اند. طریقه مختلف خواندن اشخاص را به نظر من نمی‌توان سبک دانست.

□ آقای گراشی، همان طریقه مختلف خواندن که به آن اشاره کردید باعث می‌شود شما با ناخدا عباس دو تا باشید در حالیکه هر دو یک راه و یک موضوع را دنبال می‌کنید این تعریف سبک، شیوه و روش است. توضیح دیگری جدا از نوحه‌خوانی می‌دهم تا مطلب روشنتر شود، در شروه‌خوانی همه یک دو بیتی‌های خاصی را می‌خوانند ولی هر کدام به طریقی، همه در اصل شروه خوانند ولی باید بین شروه‌خوانها در ارائه این آواز یک تفاوتی باشد و این تفاوت برمی‌گردد به طریقهٔ مختلفی که آنان در خواندن ط... می‌کنند که به آن سبک می‌گویند.

● خوب به هر حال این هم یک نظری است قابل احترا... ما هم این نظر را می‌پذیریم، ولی خود من فکر می‌ک... احتیاج دارم که بیشتر روی این قضیه تحقیق کنم و بیا... اصل سبک را بشناسم و در این مورد بررسی بیشتری ک...

□ جناب آقای گراشی در این گفتگو زیاد از نوحه‌خوان... قدیمی صحبت شد، شما اگر خاطرهٔ قابل تأملی از ای... عزیزان، برای خوانندگان نسیم جنوب دارید بفرمائید.

● بله، خاطره‌ای که در ذهنم است از مرحوم مح... شریفیان است: یک روز در مسجد پیرزن سابق با صدا... کردی‌زاده شروع به خواندن اذان کردم، بعد از تمام ش... اذان یک شخصی آمد و به من گفت آقای شریفیان در ... فروشی مرحوم فیوض با شما کار دارد. من نزد او رفتم و ... واسطهٔ آشنائی که با مرحوم دایی من داشت در ابتدا، من... مورد تمجید و تشویق قرار داد و بعد نصیحت کرد، که یک... از اندرزهایش این بود که به من گفت سعی کن خود... باشی. من آن روز متوجه گفته ایشان نشدم، بعدها پی برد... که صحبت ایشان چه بوده و چه نکتهٔ بسیار مهمی بود... خوانندگی، من بعد از آن سعی کردم خودم باشم و اکنون ... آن ادامه می‌دهم.

□ در پایان چه پیغام و صحبتی برای نوحه‌خوانان کنون... بوشهر دارید؟

● این را به عنوان یک برادر کوچک خواستم توصیه کنم ک... هیچکدام از ما کامل نیستیم و راه تکامل را می‌توانیم ... بهره‌گیری از یکدیگر طی کنیم. همه نوحه‌خوانها چ... ضعیف و چه قوی دارای یکسری نکات مثبت هستند ک... باید این نکات مثبت را از همدیگر بگیریم.

نکته دیگراین است که مداحی در بوشهر بعنوان شغل نیست ، در حالیکه در تمام کشور، مداحی بعنوان یک شغل است و مداح در طول سال تمام تلاش خود را برای تکامل در مداحی بکار می‌برد، اما خوشبختانه و از دیدگاه... متأسفانه این در شهر ما به عنوان شغل افراد مطرح نیست ... در حاشیه زندگی افراد مطرح است، اما همین در کنار قرار گرفتن اینکار، باعث شده که بعضی از برادران، به صورت فصلی یا پاره وقت به سراغ بحثهای مداحی و نوحه‌خوانی می‌آیند که این خود به خود یک توقف و مشکلی را در ارائه کار ایجاد می‌کند. من برادرانه توصیه‌ام این است ک... همانطور که این عزیزان گذشت کرده‌اند و تحمل کرده‌اند... با حداقل امکانات پیام خون اباعبدالله را به مردم می‌رسانند، تا حد ممکن تلاش برای تکامل خود داشته باشند و سعی کنند مطالب و شعرهائی را که ارائه می‌دهند متناسب با زمان و مکان و واقعیتهای تاریخی قضیه باشد و بحث دیگر بنده در این رابطه این است که سعی کنیم همدیگر را بیشتر تحمل کنیم و بپذیریم و با همهٔ اختلاف نظر و اختلاف سلیقه‌ایکه ممکن است در ارائه کارمان وجود داشته باشد، به هم احترام بگذاریم همانطوری که گذشتگان ما با همه تنگدستی و مشکلاتشان تلاش کردند این سنت را زنده نگهدارند، ما هم باید تلاش کنیم اول به جهت تکامل این سنت و دوم به جهت به سلامت رساندن آن به دست نسل آینده تا انشاءالله این سنت سالهای سال پابرجا باشد.

بوی زخم می آید از ترنّم باستانی خورشید

شعری از سید محمد هاشمی فرد(ساجد) به مناسبت اربعین حسینی



زمین که بر مدار قمر می‌گردد
می‌هراسم از آغاز گردش افلاک
بوی خون می‌آید از رگپاره‌های شقایق
بوی زخم می‌آید از ترنّم باستانی خورشید
و شانهٔ نیزار خم می‌شود زیر ازدحام درخشش
و از تیغ پریشان گرد عقربه‌ها
خون نجیب شهامت
خون روشن ایثار
در بهت ابدی تاریخ
فرو می‌بارد.

□□□

زمین که دور دوبارهٔ خود را آغاز می‌کند
-بر مدار ماه-
من می‌مانم و تاریخ بیکرانهٔ اندوه
من می‌مانم و یک آسمان ستارهٔ شیون
یک روزگار تنهایی
یک همیشه غربت.
من می‌مانم و هفت دریا گدازهٔ هستی نوش
هفتاد کهکشان عطشناک.
و کعبه‌ای که همه پرسش است:
«دلبند من کجاست؟»
ای تاب و توان حرم
ای نور دیدهٔ بطحا
ای مونس منا
آخرین احرامت آیا لخته‌های تابناک خون خواهد بود؟

میقات تو کجاست؟
چگونه به میعاد می‌روی؟
آنگاه که ژرفای نگاهت
سموم حادثه را
به گلهای محمدی هشدار می‌دهد.
وقتی که دروازه‌های نامرئی آسمان را
بروی موج تابندهٔ معراج تو می‌گشایند
توفان خزان زاد
غنچه‌های پرپر شده‌ات را چه طرح خواهد ریخت؟

□□□

کدام مذبح پیش رو داری
با چند اسماعیل
چند هاجر
آیا جبرئیل در قربانگاه
با دست پر به سوی تو می‌آید؟

صفا و مروهٔ تو آیا
تمام گسترای بینایی است؟
از مدینه
تا نینوا ...
تا عشق ...؟
راستی تا شام
پردگیان حرم
چگونه تاب آرند؟
زمین که بر مدار قمر می‌گردد
شیون از دل خاک می‌جوشد
ماتم از ذره‌های هوا می‌بارد
و کربلا
نام سرخ زمین
بر زبان برگ و صخره و امواج
می‌روید.
می‌گویم کربلا،
یعنی: دریای دین در تلاطم بی‌پایان
تموّج بی‌شکیب زلالی‌ها
رودخانهٔ بیقراری که آن سوی کوشش آینده
به دریای ابدیت می‌ریزد.
می‌گویم کربلا،
یعنی: انتشار بی‌دریغ اعجاز
اعجاز بلیغ بینایی
بلوغ مقدس اشراق
ابلاغ روح شریعت
تجسم پویای توحید
انتشار غدیر
در برهوت چشمهای ناباور،
در کویر جهل،
رویش تابناک شقایق دانایی
درخشش رازانگیز وحی
بر تیغ ناشکیب،
بر جمود نی،
تولد ناگزیر بصیرت در ازدحام وهم و تماشا.
می‌گویم کربلا:
یعنی زمینی که در هفت اقلیم امکان
هفتاد آسمان آئینهٔ رو در رو را تکرار می‌کند.
یعنی بقعه‌ای که در همه جای خاک می‌تپد
همواره جوانه‌هایی می‌رویاند
که بر ساقه‌های عرش می‌پیچند
با برگهای سبز
با خوشه‌های سرخ
می‌گویم کربلا،
و همه گسترای تنفس گلگون می‌تپد
و تمام چشم‌اندازهای جهان
آبشارهای شفق فام است.
دیگر هیچ ذره‌ای از احساس کاینات
زرد نیست، خاکی نیست، خاکستری نیست.
می‌گویم کربلا،
ناگاه تپش، زیر گامهایم تکرار می‌شود
تپش پایندهٔ ذاعرگی.
طبل نبض زمینم
به اعماق خورشیدهای فروزان پرتاب می‌کند
بی‌تاب می‌کند
سیاره‌های سرگردان را.

□□□

وقتی که می‌گویم کربلا
آسمان به زمین خیره می‌شود
و خون منقلب کهکشانها
تمام پهنهٔ امکان را درمی‌نوردد.
با این نام
آسمان سراسیمه پایین می‌آید
و زمین را در آغوش می‌گیرد
و عطش دریاها را پریشان می‌کند
و من هنوز نگفته‌ام
«عاشورا ...»

میهمان حسین (ع)

به مناسبت اربعین حسینی

● موسی مرشدی

پیرمرد پس از آخرین ندای مؤذن که فرو نشست رو به قبله جهت ادای نماز ظهر و عصر ایستاد. پیرزن آبی به قابلمه زد و آنرا در پارچه‌ای مندرس جا داد. و دولا، دولا نزد شویش رفت و در کنارش گذاشت.

پس از سلام نماز، دستی به صورت چروکیده‌اش کشیده و تسبیح گرداند. با مدد از سرور شهیدان پا شد و نگاهی به زوجه چندین و چند ساله‌اش انداخت که مرور زمان کمرش را کمانی کرده بود.

- من رفتم.
- دست خالی نیای یا؟
- تا ببینم خدا چه می خواهد.

عمری این دو با خلوص نیت شب را سفید و روز را با هم سیاه کرده بودند. دختران را به خانهٔ بخت تحویل داده و پسران را راهی زندگی کرده بودند. با دارائی و نداری ساخته بودند. دنیا را همینطوری قبول داشتند گله‌مند هم نبودند. هر چه را به صورتی که بود همانطور می‌پنداشتند.

پا را از در آستانه بیرون گذاشت. اولین کوچه را از زیر قدمها می‌گذراند که در دنیای خود فرو رفته در قلب، دنیای گذشته بیاد می‌آورد زمانیکه با چه اشتیاق پای منبر می‌نشست ... صدای سنج و دمام وجودش را پر می‌کرد گوشش چیزی نمی‌شنید. حتی صدای عابران را. آوای خوش نوحه‌خوان بیش‌تر در همان دنیا غوطه‌ورش کرده و همراه سینه‌زنان در «بُر» اول چنان پا عقب و جلو می‌گذاشت که گوئی خودش تنها است. کلمهٔ «واحد» بیشتر منقلبش می‌کرد پای چپ را به عقب می‌راند و دست راست را بالا می‌آورد تا با پای راست هماهنگ شود.

سینه موج در موج نفسها همزمان که دستها هوا را می‌دریدند صدایش در «برههٔ» حسینیهٔ زیارتیها می‌پیچید. از مسجدی به مسجد دیگر هر شبش بود. چه ایامی، ای کاش نامش حسین بود.

به خود آمد. انبوه جمعیت را دید که کاسه و دیگهایشان را سر دست گرفته‌اند و از به هم خوردنشان بیاد بازار مسگری می‌افتاد. همه هجوم می‌آوردند که قابلمه‌هایشان را پر



کنند. مگر گرسنه بودند؟ نه این چند روز خود یک لذت دیگری دارد. این غذا فرق می‌کند.در سال دو، سه روز بیش نیست.

ازدیاد مردم چنان بود که به خود اجازه نمی‌داد جلوتر برود. «کجا می‌خواهی بروی زیر دست و پا له می‌شوی، پیرمرد برگرد به خانه‌ات، پیرزن یه چیزی درست می‌کند با هم می‌خورید. برگرد ...»

ولی صدای پیرزن را می‌شنید.

«دست خالی نیای یا.»

مثل همیشه آرام، آز در وجودش خانه نداشت. کنار دیوار روی سنگی نشست و قابلمه را سبکبار بر زمین نهاد.

همچنان سیل مردم را نظاره می‌کرد. سایه کم کم خود را به کنار دیوار می‌کشاند. گرمش شده بود. ولی باز هم دل نمی‌نهاد که به خانه برود. چند نفر هم از روی دیوار ظرفهای خود را به داخل می‌فرستادند و او مات فقط می‌نگریست.

شاید صد بار تسبیح را دانه دانه گردانده بود. مردم پراکنده می‌شدند. گوئی از دهانهٔ آتشفشان می‌جهند و آرام سرازیر کوچه‌ها خلوت می‌شوند. چند نفر دیگری بیش نمانده بود. فریاد تمام شد، تمام شد، به گوش می‌رسید. اما کسی باور نمی‌کرد تا اینکه در بسته شد.

پیرمرد متحیّر فضای خالی آنجا را نگاه می‌کرد، چطور نتوانست جلو برود، چقدر کم‌رو! خوب تو هم مثل مردم می‌رفتی جلو؟ ... سر تکان می‌داد و آه می‌کشید. باز در خود فرو رفت،« که می‌خواستیم امروز میهمان تو باشیم ... پس چرا دعوتم کردی؟ من که نای آمدن نداشتم و طاقت ماندن؟» اشک در دیدگانش حلقه بست، پلکها را برهم نهاد و با عرق صورت آمیخته شد.

لبخندی از قعر دل برخاست و از لبان بیرون پرید، با خود گفت: «اشکال ندارد ما نخورده‌ات نیستیم، به پیرزن هم یه چیزی می‌گویم.»

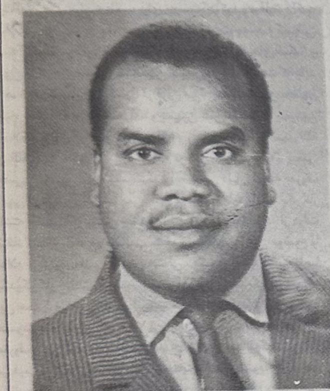
گرهٔ دستمال را در مشت گرفت و بار سبک را سنگین برداشت.

از کوچه گذشت تا به آستانه رسید، پیرزن سفره را پهن کرده بود.آرام پای سفره بر زمینش نهاد و رفت تا آبی به صورت بزند. وقتیکه برگشت پلو و قیمه در سفره بود.

در پیش شماره ده نسیم جنوب مطلبی به قلم آقای عبدالمجید زنگوئی خواندم و لذت بردم چونکه بازگشتی بود به گذشته خویش.

قلم دست گرفتم بر صفحه کاغذ نقوش حک کردم که شاید مکملی باشد بر آن نوشته تا نظر چه افتد. وقتی دلت گرفته چون روزنه‌ای نمی‌یابی برای خلاصی به ناچار و شاید هم از روی غریزه به پلکهای پشت سرت نظر می‌اندازی و حال با عبور از روی آنها به شهر خاطره‌ها و یادها قدم می‌گذاری. شب اربعین سال چهل و هشت ، در این شب همچون شبهای دیگر ماه محرم و صفر زن و مرد، خرد و کلان از خانه بیرون می‌زنند و کوچه پس کوچه‌های محلات را طی می‌کنند تا به مساجد برسند. تو هم بعد از پشت سرگذاشتن کوچه‌های تنگ و تاریک و پیچ در پیچ به مسجد کوچک ولی قدیمی دهدشتی می‌رسی. صحن مسجد را

بخشو و اربعین تقوائی



عکس منتشر نشده‌ای ازمرحوم کردی‌زاده - ۱۳۴۸

سینه‌زنان در اختیار خود گرفته‌اند و جمعیت انبوه و مشتاق مستمعین به دور آن حلقه زده‌اند بطوری که سینه‌زنان به آخر (دُور) برای پابرداشتن و سینه‌زدن دچار مشکل بودند. به این جمع هم می‌توان دوربینهای فیلمبرداری هم افزود در مکانهای مورد نظر مستقر شده و بدون کوچکترین صدایی مشغول ضبط مراسم بودند. کارگردان این فیلم به یاد ماندنی کسی نبود بجز ناصر تقوایی.

عقربه‌های ساعت پاسی از شب را نشان می‌داد و به طلوع فجر چند ساعتی بیش نمانده، سکوت را صدای بخشو و بدنبال آن صدای برخورد دستان مشتاق بر سینه‌های عریان می‌شکست.او تنها مرد میدان بود که با صدای گیرایش همه را مسحور و درجای خود میخکوب کرده بود سینه به اوج خود رسیده و بخشو پر طنین و محزون می‌خواند.

«زینب از شام وارد کربلاشد..» و دوربین در محلات قدیمی گشت می‌زد، کوچه‌ای تاریک و باریک وزنی در حال عبور از آن، با اینکه فصل گرما نیست اما بخشودر زیر شالهایی که به دور کمرش بسته بودند خیس عرق بود. اما او بی‌توجه ادامه می‌داد. «کسی که شش برادر کشته دیده...» سکانسی از دریا می‌بینی دریایی به ظاهر آرام اما بی‌قرار به همانگونه که دربار یزیدیان را آرامش قبل از طوفان فرار گرفته بود. بخشو همچنان می‌خواند و دوربین همزمان حرکات را ثبت تاریخ می‌کرد. او علاوه بر نوحه‌خوانی در شروه‌خوانی هم ید طولانی داشت. چند بار هم به دعوت دکتر حمیدی به دبیرستان سعادت آمد تا در مراسم شاهنامه خوانی شرکت کند. سال آخر سکوت و بیماری شادروان شریفیان دوران اوج بخشو بود. هر کدام از این دو در محلات خاصی می‌خواندند، که اگر اشتباه نکرده باشم، بخشو در محلات جفره، صلح‌آباد جنوبی، حاج محمدعلی و دهدشتی و شریفیان در محلات صلح‌آباد شمالی، زیارتیها(جبری) و شنبدی، هر کس سبک خاص خود داشت. و در زمان خودشان در اوج محبوبیت و شدت بودند. حقیر که خود سالهای متمادی ساکن کوی جبری بوده‌ام از نزدیک و بطور مستمر شاهد مراسم سینه‌زنی به نوحه‌خوانی شریفیان بوده‌ام که با چه تبحر و مهارتی مراسم را اداره می‌کرد، یادشان گرامی باد. در پایان جا دارد از تقوایی به خاطر تهیه فیلم مستند اربعین تشکر کرد چراکه گوشه‌ای از فرهنگ این دیار را به نمایش گذاشت.

نشریه فیلم و سینما در شماره ۴ خود «گزارشی از برگزاری جشن بزرگ فرهنگ جنوب» را به قلم عبدالرضا گنجی یکی از فیلمسازان حرفه‌ای وجوان سینما، به چاپ رسانیده است.

متأسفانه در این گزارش، نویسنده با بدبینی به بوشهر نگریسته و یکسونگری ایشان در تمامی مقاله به چشم می‌خورد. به عنوان مثال وی در هنگام مواجه با مجسمه سردار پرافتخار ایران، رئیسعلی دلواری می‌نویسد:«مقابل هتل، مجسمه‌ای در میدان مستقر شده بود، یکی از همراهان پرسید: "میرزا کوچک خان جنگلی است؟" استاد گفت: "خیر تقریباً رئیسعلی دلواری است! اما به قدری بد سفارش شده که به هیچ کس و همه کس شباهت دارد، مهمترین اشکال آن، روح خالی از عشق مجسمه‌ساز است." مجسمه در حالی که تفنگی به دست داشت پنداری با چشم‌های ملتمسانه، آزادی را از انگلیسیها گدایی می‌کرد». گویا این نویسنده از کاستیهایی که در پذیرایی از ایشان شده به قدری ناراحت گشته که در نوشته خود به تحقیر بوشهریها پرداخته و به هر بهانه‌ای آنان را به زیر سؤال برده است، البته این ناراحتی وی در نوشته‌اش نیز انعکاس یافته، بطوریکه از اینکه هتل خوبی برای اقامت ایشان در نظر گرفته نشده، چای تنها به ایشان داده شده، در ردیف اول صندلی در هنگام افتتاح جشن ننشسته، نبردن ایشان به برنامه موسیقی و تئاتر، نرسیدن ایشان به سفر دریائی و ... شکوه نموده است. به دنبال چاپ این گزارش در نشریه فیلم و سینما، نقدی از یکی از دوستان هنرمند به دستمان رسید که در زیر به چاپ می‌رسد:

ادب میهمان

جوابی به ناسپاسی یکی از میهمانان جشن فرهنگ

● مهدی نوری مقدم

در اکثر جوامع بشری سه دسته مردم از سه منظر متفاوت جهان را برای دیگران تعریف می‌کنند.

دستهٔ اول را فلاسفه تشکیل می‌دهند که از منظری تحلیلی و نقادانه مبتنی بر پایهٔ عقل محض به تفسیر و توجیه وقایع و جریانات موجود در جوامع می‌پردازند. دستهٔ دوم سیاسیون هستند که جهان را حاصل جدال نیروهای سیاسی بر سر قبضهٔ قدرت می‌دانند و همواره جریان توطئه را ساری در ارتباطات انسانها می‌بینند. این دو منظر گرچه گاه گوشه‌ای از چهرهٔ حقیقت را به بینندگان نشان می‌دهند اما غالب وجه او را در پردهٔ ابهام نگاه داشته و هر آن زمان که مقتضیات ایجاب کند آنرا ملّوث به آلودگیهای عظیم می‌نمایند. اما دستهٔ سوم هنرمندان و هنرپیشگان هستند که منظر عشق را بهترین پنجرهٔ رؤیت جهان دانسته و به مهرهٔ عشق بر نطع گیتی خوش می‌تازند، هستها و بایدها را به عشق تحلیل می‌کنند.

عاشقانه نگریستن و دلبرانه بیان کردن حقیقت، شیوهٔ مشخصهٔ بیان هنری است.

چه اگر هنرمند زیبا نگوید چسان زیبایی را هدیهٔ مشتاقان نماید والبته زیبا گفتن طرق و روشهای گوناگونی است که در نهایت منجر به ادراک نوعی زیبایی در مخاطب می‌گردد. اما هنرمند باید عاشق باشد تا عاشقانه بگوید که اگر عشق در وجود هنرمند مستحیل نشده باشد هر نوع بیان زیبایی تصنعّی جلوه کرده و بازار او را از رونق می‌اندازد. همین است که در هر جامعه‌ای که هنرمندانش با مایهٔ عشق پا به عرصه نهاده‌اند، وسیعتر و عمیقتر دربیان وحل معضلات مردم جامعه عمل نموده‌اند، ما اگر محبانه با مردم و فرهنگ خود مواجه نگردیم چگونه می‌خواهیم از این مردم و برای آنها بگوئیم؟

متاسفانه جهان سوم همواره شاهد زایش هنرپیشه‌گان روشنفکران هنرپیشه‌ای در دامان خود بوده است که تکبّر و تفرعن ومردم گریزی ماهیت اساسی وجودشان و شیوهٔ اعمالشان بوده است. آنهایی که اصالت را نه در ریشه‌های خود که در میان شاخهای سرسبز دیگران جسته‌اند. از همین رو همین عده همیشه جنس سخن خود را شریفتر و عالیتر از فهم مردم خود دانسته ومشنون شأن گوشهای غیر، ساز هنر می‌نوازند. بیگانگان نیز از این جماعت بریده از یار و دیار فقط در حد مصرف قطعی خود که لگدمال کردن و منکوب ساختن سنت فرهنگی دیرینهٔ این مردم است استفاده کرده و سپس دست رد به سینه ایشان می‌زنند. آقای گنجی! نگاه متفرعنانه و متکبرانه از پس سطور گزارش توهین آمیزتان از نخستین جشنوارهٔ فرهنگ جنوب (بوشهر) به قدری مرا برآشفت و متأثر گردانید که سکوت را جایز ندانسته و این سطور را نگاشتم.

برادر و همکار عزیز، من از این مردم نیستم اما با این مردم چند سالی است روزگار می‌گذرانم. من نیز همسان شما از پایتخت آمده‌ام اما روحیهٔ بعضی پایتخت‌نشینان - همچون شما - را ندارم. ایستاده با این مردم سخن نمی‌گویم که به رسم ادب در کنارشان روی خاک گرم جنوب می‌نشینم و دردهایشان را می‌شنوم و به حد توانم به تصویر می‌کشم. از جشنواره فرهنگ جنوب بیش از آنکه شما از کاستیهایش بگویید، ما در قدم اول متولیان را از برگزار کردن آن بر حذر داشتیم چه استانی که محرومیت صفت غیر منفصلش گشته و در هر نقطه‌اش نشانی از فقر و کمبود را به راحتی می‌توان مشاهده نمود، توان برگزاری چنین جشنواره‌ای را ندارد اگر چه آن استحقاق را دارد. و چه بسیار افرادی همچون شما که چون به رسم میهمان قدم به این دیار نهادند در عوض آنکه اوج جود و سخا را د رپیشکش میهمان کردن "هر آنچه هست" در این مردم دیر آشنای صفا و آفتاب ببینند، نامهربانانه فقرشان را به رخشان کشیدند و گره به پیشانی افکندند و رفتند. آقای عزیز، این مردم، مردم شمایند و ما، من و شما از میان همین مردم سربرآورده و رشد کرده‌ایم. اینها زجر دیده‌اند تا ما در بهترین دانشگاهها درس بخوانیم و در پایتخت و شهرهای بزرگ ردّی از محرومیت نبینیم. سزاوار احترام و توقیرند این مردم، نه لایق تحقیر. هنگامی که پایتخت‌نشینان قجری مشغول رتق و فتق امور حرمسرای ملوکانه‌شان بودند، ایشان با قیادت همان رئیسعلی - که حضرتعالی به سبب ضعف تاریخی‌تان تفاوت میرزا کوچک خان با او را ندانسته‌اید و آنگاه که دانستید در چشمهای او التماس آزادی از بیگانگان! را قرائت نمودید - و دیگر رهبران نستوه این دیار علم استقامت و مبارزه بر ضد استعمار را برافراشتند و مقابل هجوم بیگانگان مردانه ایستادند. که اگر اینان نبودند معلوم نبود که از ایران و تمامیت ارضی آن تاکنون چه اثری باقی می‌ماند؟ بیگانگان هنوز از هیبت این مردم و غیرت وطن‌خواهی ایشان زهرهٔ تجاوز به این آب و خاک را ندارند که اگر خدای ناخواسته چنین شود باز اینان مردانه می‌جنگند و پایتخت‌نشینان...!؟

برادر من، پیش ازآنکه شما با نگاهی همچون مستشرقان بیگانه از مردم بدنبال شیشه‌های رنگی و کوزه‌های سفالی و ابنیّه تاریخی ویران و نیمه ویران بوشهر بگردید و واحسرتا و وافرهنگا سر دهید. ما در میان گرد و خاک و غبار حاصل از تخریب بناهای تاریخی بوشهر فریاد برآوردیم که «سازمان میراث فرهنگی باید حفظ کند، نه تخریب». و زمانیکه خرده شیشه‌های رنگی بناهای مخروبه را به دست گرفتیم و از مسئولان توضیح خواستیم همانها را برچشمهایمان کشیدند که دیگر نبینیم تا نگوئیم.

ولی چه تقصیری متوجه مردم است اگر متولیان بی‌همتند؟ که شما هر چه کاستی دیدید و ندیدید متوجه ضعف فرهنگی مردم استان بوشهر کردید؟ آنچنان از فراز خود بزرگ بینی به این دیار چشم انداختید که کاشفی به سرزمین تازه کشف شده‌اش. برادر این دیار بجز صادق چوبک که شما مثال زده‌اید، بسیار شخصیتهای مثال زدنی در دامان خود پرورانده و تحویل عرصهٔ فرهنگ و هنر ایران داده است. کاش بجای خانهٔ رو به ویرانی چوبک به سراغ منوچهر آتشی د رکنج تنهائیش می‌رفتید و یا سراغ دکتر حمیدی و دکتر جعفری و دیگران را می‌گرفتید. چنین ناآگاهانه قضاوت کردن و رأی دادن نه در خور هنرمندی است که قلم به دست دارد. اگر من و شما قلم به دست فارغ از اغراض، واقعیات را نگوئیم، نه سیاسیون و نه فلاسفه نخواهند گفت و د ر نهایت ایران عزیز از خلال تصاویر غم‌آلود فیلمهای سیاه



همچون پدر، بدوک، بچه‌های آسمان، سیب و ... مملکتی عقب افتاده و کویری بدون هیچ سرسبزی در عرصُه اندیشه به جهان معرفی خواهد شد. برادر عزیز، اگر از وجود دانشگاه بوشهر تعجب کردید. بدانید در بوشهر چندین دانشگاه وجود دارد که نه تنها جوانان مستعد این استان را جذب خود کرده است بلکه از اقصی نقاط ایران نیز جوانانی را در خود دارد که مشتاقانه مشغول تحصیلند. در مجموع نه تنها نگارندهٔ این سطور بلکه برگزار کننده این جشنواره نیز ضعفها و کاستیهای آن مقرّ و معترف هستند و می‌دانند که امکاناتی بیشتر در جهت برگزاری دقیق و بی‌عیب و نقص آن نیاز داشته است تا شما و بعضی دیگر از میهمانان عزیز را تکدر خاطری حاصل نمی‌گردید. اما برادر و همکار عزیز، روا نیست که به دلیل بعضی کاستیها دیدهٔ انصاف فرو بندید و بجای انتقاد سازنده از مسؤلان هر آن‌چه که می توانید به فرهنگ غنی و مردم میهمان نواز این دیار توهین و اسائه ادب نمائید. که این از ادب میهمان بدور است که ضعف میزبان را غوغا کند.

نسیم جنوب

قسمت آخر

آیا واقعاً خبری نیست؟

جوابیه حجةالاسلام حاجیانی، نماینده مردم دشتی، تنگستان، دیر و کنگان

توضیح نسیم جنوب: در هفته قبل قسمت اول جواب ۲۳ صفحه‌ای حجةالاسلام حاجیانی را به چاپ رساندیم. بر اساس قانون مطبوعات، این هفته نامه ملزم به چاپ پاسخ دو برابر مطالب مطرح شده در انتقاد از ایشان، در نشریه می‌باشد. با چاپ قسمت دیگری از جواب ایشان در این شماره، ما به این وظیفه قانونی خود در این زمینه عمل نمودیم، اما از آنجا که جوابیه آقای حاجیانی در ۲۳ صفحه ارسال گردیده است، و چاپ تمامی آن حداقل ۴ صفحه نسیم جنوب را در بر می‌گیرد، و با توجه به محدود بودن صفحات این هفته نامه و همچنین حجم انبوه مطالب ارسالی از طرف خوانندگان، چاپ تمامی جوابیه ایشان متاسفانه امکان پذیر نمی‌باشد. اضافه نمودن صفحات اضافی با توجه به اینکه خرید کاغذ و تمامی هزینه‌های دیگر نیز به صورت خرید آزاد از طرف این نشریه صورت می‌گیرد، امکان پذیر نمی‌باشد. از طرفی مذاکره با آقای حاجیانی برای متقبل شدن سهمی از هزینه‌های اضافی، که بابت چاپ بقیه جوابیهٔ ایشان بر نسیم جنوب می‌رود، نیز از طرف ایشان با مخالفت روبرو گردید. بدیهی است که در صورت موافقت ایشان، نسیم جنوب اقدام به درج بقیه جوابیه در شماره‌های آینده خود خواهد نمود. «سردبیر»

اگر به گفتهٔ نویسنده بنا باشد کسی متولی مسلمان بودن مردم نباشد، پس این همه حوزه‌های علمیه و صرف بودجه‌های بیت‌المال برای تربیت طلاب برای چیست؟ تأکید و سفارش اکید اسلام در مورد امر به معروف و نهی از منکر متوجه چه کسانی است؟ اگر ما موظفیم که یکدیگر را به معروف (کارهای نیک) و ترویج از کارهای منکر(زشت) نهی کنیم، بدان معنا است که باید با همدیگر کار داشته باشیم. اگر قرآن می‌گوید:«المؤمنون بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة و یطیعون الله و رسولة اولئک یرحمهم الله ان الله عزیز حکیم»(سوره مبارکه توبه آیه شریفهٔ ۷۱)، یعنی بعضی از مؤمنون اولیاء یکدیگرند و (به همین دلیل) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند... پس آقای محترم ما باید با همدیگر کار داشته باشیم، اگر رئیس جمهوری از مردم می‌خواهد که از دولت انتقاد کنند و بارها در مجالس متعدد و سخنرانیها این موضوع را اعلام می‌کنند، یعنی هر کس متولی دیگری است. اگر ما با یکدیگر کار نداشتیم و متولی مسلمان بودن همدیگر نبودیم که این همه شهید نمی‌دادیم، انقلاب نمی‌کردیم، اصلاً لازم نبود که حضرت امام حسین (ع) با ۷۲ تن از یارانش در کربلا در راه امر به معروف و نهی از منکر شهید شوند، حضرت اباعبدالله‌الحسین (ع) می‌فرمایند:« من می‌خواهم از مدینه خارج شوم»،«به چه منظوری»؟ سپس می‌فرمایند:«اريد ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیر بسیره جدی و ابی علی بن ابیطالب»، یعنی می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر بکنم و راه جد و پدر خود را سیر نمایم. پس دوستان قدری به خود آیید طریق کعبه در پیش گیرید، این ره که می‌روید به ترکستان است.

این همه دروغ چرا؟

بعد از صحبتهایم در شورای اداری سخنان بسیاری را شنیده و مکتوبات فراوانی را مطالعه کرده‌ام و گزارشهای فراوانی را نیز از بحث و گفتگوها دریافت نموده‌ام. در بعضی از سخنان و نوشته‌ها حرمت جلسات و قلم به صراحت نادیده گرفته شده است و هتاکی، بی‌حرمتی و اهانت از حد واندازه خارج شده است. بحمدا... راه اسلام، انقلاب، آرمانها، دفاع از اسلام و حوزهٔ انتخابیه‌ام چنان صبوری به من بخشید که نه تنها در صدد مقابله به مثل نبوده و نیستم، بلکه دست به دعا پرداشته از خداوند می‌خواهم که همهٔ آنها را به صراط مستقیم هدایت فرماید.

اما آنچه که روشن است این است که چنین اهانتهایی تنها متوجه شخص من نیست. اهانتی است به من، به روحانیت، به خانوادهٔ شهداو به بسیجی و رزمنده. اهانت به من، اهانت به - لااقل - دویست و پنجاه هزار نفر از موکلان اینجانب می‌باشد. من انچه راکه مربوط به شخص خودم بود بخشیدم و امیدوارم آنچه که مربوط به ارزشها و مردم است، خداوند و مردم بر شما ببخشایند.

تنها یک مسئله مرا خیلی ناراحت کرد

اما در بین این همه دروغ پردازی، بی‌حرمتی و هتک حیثیت تنها یک مسئله مرا خیلی ناراحت کرد و آن دروغی بود که نویسنده (که انشاءالله خدا او را هدایت فرماید) به حضرت امام خمینی (ره) نسبت داده بود و از قول ایشان نوشته بود:«موسیقی را امام راحل حلال کرده و شما و امثال شماها نمی‌توانید آن را مجدداً حرام اعلام کنید».

به نظر این جمله می‌بایست هر امام دوستی را متأثر و ناراحت کرده باشد. اگرکسی از این فرد سؤال کند حضرت امام (ره) در چه زمانی و مکانی چنین سخنی را فرموده است، چه می‌توانید بگوئید؟ آیا این فرد نمی‌داند نسبت کذب به امام پیگرد قانونی دارد؟

حال برای روشن شدن اذهان عمومی به دو فتوا از حضرت امام خمینی (ره) در رابطه با موسیقی اشاره می‌کنم:

۱- تحریرالوسیله، جلد ۲، صفحه ۶۲۹، ذیل عنوان «ومنها الرادیو و التلفزیون و نحو هما». مسئله ۶ می‌فرماید:«یحرم استماع الغنا و نحوه من المحرمات من مثل الرادیو سواء مستقیمةاو بعد الضبط فی‌المسجلّه»

«گوش دادن به موسیقی مطرب و نحو آن از محرمات، از رادیو چه به صورت مستقیم پخش شود و چه به وسیله نوار کاست، حرام است ».

۲- استفتائات حضرت امام راحل (ره) جلد ۲، صفحهٔ ۱۱، مسئله ۲۵.

«شنیدن و نواختن موسیقی مطرب حرام است و صدای مشکوک مانع ندارد و خرید و فروش آلات مشترکه اشکال ندارد».

۳- در همین جا بد نیست به دو استفتاء از مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای و حضرت آیت الله العظمی لنکرانی نیز اشاره کنم.

در خصوص موسیقی (به اصطلاح سنتی بوشهر) از ایشان سؤال شد که متن سؤال و جواب عیناً آورده می‌شود:

«محضر مبارک حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله العالی.

سلام علیکم

احتراماً به استحضار می‌رساند در پی استفتاء امور تربیتی همدان مبنی بر استفاده از آلات موسیقی و فتوای تحریم این قبیل آلات از طرف جنابعالی، به تازگی در استان بوشهر استفاده از این آلات بطور گسترده‌ای در حال افزایش است. بالخصوص در رادیو و تلویزیون استان در ترویج این قبیل مسائل که که به اسم موسیقی سنتی اصیل معروف شده است اصرار دارند و در تشریف فرمایی جنابعالی به استان بطور مکرر اقدام به پخش چنین موسیقیهای لهوی نموده است، بطوریکه مطربان دیروز به صحنه بازگشته‌اند و عروسیها به صحنه هوسرانی و طرب تبدیل گشته و هر روز شاهد پرپر شدن فرهنگ انقلاب در این مراسم هستیم. استدعا می‌شود فتوای مبارک را در زمینه استماع و بکارگیری این قبیل آلات و اصوات تبیین فرمایید».

امضاء سید ابراهیم هاشمی از دلوار

پاسخ ممهور به مهر حضرت آیت الله خامنه‌ای:«ابزار و وآلات موسیقی در نواختن موسیقی مطرب لهوی و استماع چنین موسیقی حرام است. استفاده از این قبیل حتی در غیر موسیقی مطرب لهوی اگر مستلزم مفاسد باشد جایز نیست.

مهر

مقام معظم رهبری

۴- چون بخش عمده‌ای از مردم مقلد حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی هستند توجه شما را به یک مسئله از ایشان جلب می‌کنم:

در جامع الاستفتائات، ص ۶۲۳، مسئله ۲۱۷۵ ، می‌فرماید:

«استفاده از ابزار و آلات موسیقی که مختص به مجالس لهو و لعب است در هر شرایط که باشد جایز نیست».

۵- اضافه می‌کنم تمام فقهای مشهور شیعه، حال و گذشته موسیقی مطرب و استفاده از آلات مخصوص آن را حرام دانسته‌اند و به ذکر این حرمت در رسایل خود پرداخته‌اند.

استدلالهای طرفداران «نی‌انبان» مبنی بر حلیت آن

ضمن ارئهٔ نمونه‌هایی چند داوری در مورد قوّت و ضعف استدلالات طرفداران حلیت موسیقی مطرب را به خوانندگان وا می‌گذاریم.

۱- آقای مصطفی علیزاده

«موسیقی را امام راحل حلال کرده شما و امثال شما نمی‌توانید آن را مجدداً حرام اعلام کنید».

در جهت احتراز از امکان اشتباه دراذهان خوانندگان لازم است که یادآوری کنم: این سخن واقعیت ندارد و حضرت امام در هیچ جایی فتوایی دال برحلیت موسیقی نداده است. اگر سخن ایشان مستند می‌بود، به جا بود جمله‌ای از حضرت امام نقل می‌نمودند.

۲- آقای سید نورالدین ابطحی

«ما راه خودمان را ادامه می‌دهیم ... هدف «مخالفان نی‌انبان» غرض و مرض سیاسی است».

۳- نامهٔ ۳۵ نفر از طرفداران نی‌انبان به استاندار محترم بوشهر

- «نی‌انبان» جزئی از فرهنگ بومی ملت است و توهین به فرهنگ یک ملت توهین به آن ملت است.

- مخالفت با «نی‌انبان» قطعاً حرکتی در جهت تسهیل تهاجم فرهنگی غرب است.

- موسیقی ابزاری است که اگر در خدمت خدا باشد حلال و اگر در خدمت شیطان باشد حرام است.

- روزنامه‌نگار فرانسوی:«نی‌انبان» سازی است خدایی با صدایی جادویی.

۴- آقای بهمن بوشهری

- این ساز (نی‌انبان) در مسابقات، مقام اول را کسب کرده است.

- این ساز نه تنها در ایران بلکه در خارج از کشور طرفدارانی دارد.

- اگر از «نی‌انبان» بترسیم در مقابل ماهواره چه می‌کنیم؟

- آیا جوان ۲۰ ساله را تنها با دعا و ذکر می‌توان در مقابل این همه تحرکات شیطانی مهار کرد.

دو تذکر

اشاره به موارد سابق‌الذکر و درج نقطه نظرات مدافعان حلیت موسیقی مطرب صرفاً جهت ملاحظهٔ خوانندگان عزیز این نوشتار بود. به جز مورد اول که احتیاج به قدری توضیح داشت بقیه نیازی به توضیح و جواب ندارد. هر خواننده‌ای با هر سطحی از معرفت جواب اینگونه استدلالهای آبکی را می‌داند اما:

۱- یک مورد از این استدلالها برایم خیلی تازگی داشت، زیرا تازه متوجه شدم که حوزهٔ علمیه‌ای در فرانسه وجود دارد که مرجع تقلیدش هم روزنامه‌نگاری است که خدایی یا غیرخدایی بودن یک ساز را مشخص می‌کند! از این عجیبتر آن که دریافتیم در ایران هم مقلد دارد!!

۲- لازم است تذکری هم به آقای بهمن بوشهری بدهم، متأسفانه جنابعالی از اثرات ذکر و دعا همین جوانهای ۲۰ ساله - که از آنها انسانهایی پولادین ساخت - غافلید. اینها نه تنها در برابر تحرکات شیطان، بلکه در برابر توپ و تانک، تمامی شیاطین و شیطان بزرگ ایستادند و پوزهٔ همهٔ شیاطین را به خاک مالیدند. این انقلاب و همه حماسه‌های آن و حماسهٔ دوم خرداد و همین آزادی - که بسیاری از آن سوء استفاده می‌کنند - دسترنج جوانانی است که در مکتب دعا و ذکر پرورش پیدا کرده‌اند. مکتب ساز و آواز، رقص و خوشگذرانی باعث پرورش جوانهایی شد که آلت دست شیطان پهلوی و آمریکای جنایت پیشه بودند و با گلوله‌های خود سینهٔ جوانان پرورش یافته مکتب ذکر و دعا را نشانه می‌رفتند، حالا چگونه می‌خواهید برای ما با نی‌انبان جوانانی بسازید که در برابر شیطان بزرگ بایستند؟!

سخنی با مدیر کل محترم ارشاد اسلامی

وقتی شنیدم آقای ابطحی به سمت مدیریت ارشاد استان برگزیده شده‌اند، به دو دلیل بسیار خوشحال شدم. دلیل اول، اینکه ایشان را فردی مذهبی، متدین، معلم قرآن و تا حدودی روحانی می‌دانم. از این رو، موضوع را با محمول مطابق می‌دیدم. دلیل دوم، انتظار داشتم نقصانها و کمبودها و ضعفهای مدیران قبلی با دست مبارک ایشان ترمیم شود و از این رو اولین تبریک را در بین مسئولان جدید برای ایشان فرستادم. ارسال پیام تبریک به دلیل احتیاج یا چشم داشت نبود. در متن تبریک نوشته بودم نکاتی در ذهنم هست که انشاءالله عندالملاقات به اطلاع خواهم رساند. یکی از نکته‌ها هم این بود که شما با آن تعبد و تدین چگونه با بعضی از این بی‌بندوباریها که در ارشاد وجود دارد، برخورد خواهی نمود؟ اکنون برایم روشن شد که این پرسش در ذهن ایشان از همان ابتدا صاحب جواب بوده و بنده از آن خبر نداشته‌ام. ای برادر در حال حاضر هم به دلیل سیادت، سابقه و ارتباط با قرآن، علاقه بنده به شما کماکان وجود دارد. نوشتن این مطالب به این دلیل نیست که قصد برهم زدن بساط دوستی را داشته باشم. لذا از این بابت خاطر مبارکتان مکدر نگردد، زیرا امام صادق(ع) می‌فرماید:« احب اخوانی من اهدی الی عیوبی» یعنی محبوبترین دوستان من کسانی هستند که عیبهای مرا برایم هدیه می‌کنند.

در ابتدا قصد طرح مطالبی را که در شورای اداری در رابطه با جشن فرهنگ عنوان کردم، نداشتم. مع هذا عدم امکان دسترسی تلفنی به جنابعالی در فاصله چند روز به دلیل حضور جنابعالی در جلسات، موجب طرح شفاهی مسئله گردید. آیا سزوار نبود یک بار هم شما در پاسخ به تماس تلفنی من تلفن می‌زدید؟! البته ممکن است فراموشی بر اثر کثرت مشغله باشد و ما طبق وظیفهٔ دینی حمل بر صحت می‌کنیم.

حالا که شما سخنان خود را در مطبوعات درج کرده‌اید و همگان خوانده‌اند - گرچه ممکن است احتمال ضعیفی هم وجود داشته باشد که مراد شما فرد دیگری بوده ولی برداشت عمومی این نیست - لذا من نیز به ناچار با زبان قلم و مطبوعات پاسخ می‌گویم.

برادر عزیزم آقای سیدنورالدین ابطحی، یک بار دیگر مصاحبه خود با «نسیم جنوب» را مطالعه کنید و به گفته‌های خود بیندیشید. خود را قاضی قرار دهید و به میزان صحت و درستی این نقل خود بیندیشید. آیا این حرف واقعاً درست است؟

با چه معیاری پی بردید که هدف «غرض» و «مرض» سیاسی است؟ چه دلیلی برای اثبات آن دارید؟ اگر ظن و گمان است که قرآن می‌فرماید:«الظن لایغنی من الحق شیئاً - و یا ان بعض الظن اثم».

مگر نه این است که ارشاد اسلامی باید بر تمام مطبوعات نظارت کلی داشته و مانع تجاوز آنها ازمرز اخلاق اسلامی و قانون باشد؟ وقتی حضرتعالی در مقابل فردی روحانی که کاملاً با سابقه وی آشنا هستید، چنین موضعی اتخاذ کنید، پس تکلیف نسیم نویسان چه خواهد بود؟ و شکایت از آنان باید تسلیم چه مرجعی شود؟ گلایه تجاوز آنها به فضائل اخلاقی جامعه را با چه کسی در میان بگذاریم؟ بگذاریم و بگذریم. حال به امید تأثیر و اصلاح مافات نکاتی چند را متعرض می‌شوم:

۱- علی (ع) می‌فرماید: سعد الصدر آلة الریاسة. شما که در رأس یک اداره کل قرار گرفته‌اید. به دلیل اینکه معصوم از خطا مبری نمی‌باشید، قطعاً در صورت وجود و بروز اشکال مورد انتقاد افرادی از قبیل حزب‌الله یا منتقدانی مثل اینجانب قرار خواهید گرفت. لازم است بدون اینکه احساسات بر شما غلبه کند پاسخی عقلانی، منطقی و مردم پسند ارائه دهید و طرف را قانع کنید و در صورت خطای انتقاد کنندگان به آنان بفهمانید که در خطا و اشتباهند.

اگر هم انتقاد و ایراد به حق و درست بود، باید از آنان تشکر کنید که مانع سیر بیشتر شما در راه خطا بوده‌اند. صحیح این بود که شما در مصاحبه خود می‌فرمودید کسانی که می‌گویند موسیقی مطرب حرام است اگر درست می‌گویند دلیل اقامه کنند تا ما هم از آنها بپذیرم، نه اینکه با عصبانیت جملاتی را بکار ببرید که نه در شأن جنابعالی است و نه در مقابل شأن طرف و نه قابل قبول برای شنوندگان و خوانندگان منصف.

چنین شیوه کلامی از جانب مسؤلان - به ویژه دارندگان مسئولیت دینی و فرهنگی - موجبات بدآموزی را فراهم می‌آورد.

۲- فرموده‌اید نی‌انبان یکی از ابزارهای سنتی موسیقی در بوشهر است و تا زمانی که مراجع تقلید یا رهبر معظم انقلاب منع شرعی نکنند، استفاده از این وسیله در برنامه‌ها استمرار خواهد داشت و ما راه خودمان را ادامه می‌دهیم...

با توجه به اینکه جنابعالی فردی واعظید و طبعاً باید مطالعات دینی داشته باشید، فکر نمی‌کنم تا کنون با مسائل حرمت موسیقی مطرب برخورد ننموده باشید.

برادر جناب آقای ابطحی! بنده و جنابعالی در زمانی زندگی می‌کنیم که هیچ طرحی را بدون مطالعه شروع نمی‌کنند. قبل از شروع به کار چه بسا پولهای کلانی هم برای چند مرحله امکان سنجی می‌گذارند. محققاً کارهای فرهنگی نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد، بلکه کارهای فرهنگی چون با روح، جان،ایمان و عاقبت مردم سر و کار داردازحساسیت بیشتری نیز برخوردار است و لذا اگر طرح‌های فرهنگی به درستی مورد مطالعه قرار نگیرد، موجب خسارات جبران ناپذیری خواهد شد. فکر می‌کنم شما مرحله اول را مطالعه کرده‌اید و لابد حتماً می‌دانید که سه نوع موسیقی وجود دارد: مباح، مشکوک و حرام. از گفته‌های شما چنین بر می‌آید که مرحله دوم مطالعه را انجام نداده‌اید، زیرا چنین تصور می‌کنید که مراجع تقلید هیچگونه منع شرعی در قبال انواع موسیقی قائل نشده‌اند و از این روی با قاطعیت گفته‌اید:«از آن (نی‌انبان) در برنامه‌های خود استفاده می‌کنیم» و «ما راه خودمان را ادامه می‌دهیم».

اضافه کرده‌اید که «ما راه خودمان را ادامه می‌دهیم»، بدون تحقیق و پژوهش، من از جنابعالی می‌پرسم مطالعه ناکرده، با چه جرأتی این راه خطرناک را ادامه می‌دهید؟ در اسلام حتی نسبت به مشکوک نیز دستور آمده:«قف عندالشبهه». یعنی در مشکوک هم جای تأمل و حرکت با احتیاط است تا چه رسد به حرام آن و به خوبی می‌دانیم که حرام محمد (ص) حرامٌ الی یوم القیمة. امری را که حضرت محمد (ص) حرام کرده است تا روز قیامت حرام است و تحت هیچ شرایطی نمی‌توان حرام را در نوردید.

به نظر می‌رسد که اشکال برداشت شما در اینجاست که با عینک سیاسی همه گفته‌ها و شنیده‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهید آن هم نه سیاستی که عین دیانت باشد بلکه با سیاستی که همراه با مرض باشد. اشکال دوم این است که عینک بدبینی دیگری را به چشم گذاشته و هر جا که مطالعه مشکل و موجب وقت می‌گردد، از آن استفاده نموده و با انطباق غرض و مرض و صغری و کبرائی از این نمونه - مثلاً - موسیقی را حلال می‌پندارید.

(غرض + مرض سیاسی = حلال شدن نی‌انبان)

عجب استدلال سهلی! با این حساب است که با قاطعیت می‌فرمائید:«ما همان راه را ادامه می‌دهیم، صرف نظر از اینکه دیگران چگونه فکر کنند». به جا بود حداقل - قبل از تکیه بر عبارت «غرض» و «مرض» سیاسی، احتمال خطای دیدگاه خود و صحت فکر دیگران را نیز مطمح نظر قرار می‌دادید.

حال برای اینکه در آینده با این سرعت و قاطعیت حرام خداوند تبدیل به حلال نشود! از شما می‌خواهم که هر دوی این عینکها را پائین آورده و با چشم طبیعی مسائل ۲۵ تا ۴۵ از جلد دوم استفتائات حضرت امام خمینی (ره) را مطالعه فرموده و همچنین استفتائی را که در رابطه با موسیقی (به قول جنابعالی) سنتی بوشهری از مقام معظم رهبری می‌باشد، ملاحظه نمایید. تا بدانید که غرض و مرضی که شما به کار برده‌اید هر دو دینی بوده نه سیاسی.

امیدوارم پس از مطالعه نظرات حضرت امام خمینی، رهبر معظم انقلاب و حضرت آیت‌الله فاضل لنکرانی و سایر مراجع بزرگوار تقلید، نسبت به موسیقی، دیگر راه قبلی را ادامه ندهید که «انما التوبه للذین یعملون بسوء بجهالة».

۳- گرچه خود شخصاً معتقدم که برنامه‌هایی نظیر جشن بزرگ فرهنگ در صورت رفع اشکالات و جلوگیری از اسراف و تبذیر می‌تواند بسیار مطلوب باشد، اما مردم سؤال دیگری مطرح کرده‌اند که من در شورای اداری به آن اشاره نکرده‌ام، بد نیست بشنوید: مردم می‌گویند: چرا وقتی از طرف روستاهای پرجمعیت از وزارت ارشاد تقاضای کتاب وکتابخانه می‌شود یا جوانان برای دسترسی به کتابهای اسلامی جهت پر کردن اوقات فراغت خود در تابستان، به ارشاد رجوع می‌کنند، با این جواب که بودجه نداریم رو به رو شوند؟ ولی در جشن فرهنگ با یک چشم بر هم زدن ۱۸ میلیون تومان مصرف می‌شود؟ پس این پولها از کجا می‌آید؟

انتظار است که با سعه‌صدر مطالب را مطالعه نموده و از جمع زدن آن با یکدیگر حذر فرمائید. دوستیمان بر سر جای خود! من به نوبهٔ خود شخصاً آماده‌ام تا از هرگونه کمک ممکن دریغ نورزم و برای جلوگیری از تکرار اینگونه مسائل در آینده، استدعا دارم آن دو عینک لعنتی را معدوم بفرمائید.

آیا واقعاً خبری نیست؟

باز هم جای شکر دارد که در رابطه با عسلویه با همه اختلاف سلیقه‌هایی که وجود دارد همگان در یک مورد اتفاق نظر دارند و آن این که «عسلویه» و «نای‌بند» با جمعیت ۲۵ هزار نفری و گنجینه‌های عظیم ثروت باید جزء تفکیک ناشدنی استان بوشهر باقی مانده و الحاقش به لار و لامرد یا هر جای دیگر در استان فارس تحت هیچ شرایطی پذیرفته نیست.

عده‌ای با گفتار و نوشتار تمام سعی خود را بکار برده تا به مردم بقبولانند که خبری نیست، شما مردم خیالتان راحت باشد این ورشستگان سیاسی به بهانه «عسلویه» می‌خواهند خود را مطرح کنند، مسئله جناحی است و چنین اتفاقی نخواهد افتاد!!!

در پاسخ به چنین گفتارها و نوشتارهایی توجه خوانندگان را به سه مطلب جلب می‌کنم:

مطلب اول

هر گفته و نوشته‌ای باید مستند به دلیل و مدرک باشد. دلیل منطقی و عقل‌پسند شما چیست؟ از کجا به این مطلب پی بردید که من و امثال من برای مطرح کردن خود موضوع عسلویه را پیش کشیده‌ایم؟ اگر راست می‌گویید دلیل مستند ارائه کنید. با فحش و فضیحت، جنجال و هیاهو که نمی‌شود مطلبی را به خورد مردم داد. در حال حاضر یک سال از دوم خرداد ۱۳۷۶ می‌گذرد. اگر انگیزهٔ ما همین بود که شماانگشت روی آن گذاشته‌اید می‌باید خیلی زودتر اینگونه مسائل را مطرح می‌کردیم.

راستی اگر مسئله‌ای در کار نبود چرا یک هفته قبل از صحبت من حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقا نبوی در کنگره بزرگداشت آیتا... سیدعبدالحسین لاری در شهر لار با بیان آن مثال جالب و تاریخی نطفهٔ توجه به تمامیت ارضی استان بوشهر را کاشت؟ و اگر واقعاً قصدی در بین نبوده چرا استاندار محترم فعلی استان فارس در جشن فرهنگ از نماینده محترم بوشهر تقاضا می‌کند که «شما دُم استانتان را به ما بدهید»؟

آیا بهتر نبود این دوستان به جای سوار شدن بر مرکب احساسات و حب و بغض‌ها قدری عاقلانه‌تر و منطقی‌تر فکر می‌کردند و پس از شنیدن نظرات اهالی عسلویه و شهرستانهای همجوار آن لار و لامرد و بررسی نقطه نظرات نسبت به نوشتن مطالب اقدام می‌نمودند؟چرا بر شاخه نشسته‌اید وبا تبر تنه را قطع می‌کنید؟!

من از آقایانی که برای من ناسزا نوشتند سؤال می‌کنم:«اگر آنانی که در استان فارس هستند با استفاده از نفوذ خود در هیئت دولت موفق به جلب نظر هیئت دولت شوند و در تغییراتی که بنا است در آینده در تقسیمات کشوری صورت بپذیرد، انتزاع «عسلویه» و «نای‌بند» را از استان بوشهر و الحاق به استان فارس را به تصویب هیئت دولت برسانند، شما چه خواهید کرد؟ و اصولاً چه می‌توانید بکنید؟ هر چه که امروز بگوئید ما نمی‌گذاریم، چنین و چنان می‌کنیم، فردا که در مقابل عمل انجام شده قرار گرفتید چه عکس‌العملی می‌توانید داشته باشید؟سؤال دیگر من این است که اکنون دو سال تمام است کارهای فنی وکارشناسی برای «بخش» شدن «عسلویه» انجام پذیرفته و همهٔ کارشناسان تأیید کرده‌اند که «عسلویه» تمام شرایط تبدیل به «بخش» را دارا می‌باشد، چرا مسئولان مربوطه تبدیل آن به «بخش» تعلل می‌ورزند؟

آرزوی سربلندی برای مردانی مصمم





شانزدیهمین دوره جام جهانی فوتبال آغاز شد و تیم‌های صاحب کلاس در فوتبال جهان پیکارهای خود را آغاز کردند، این جام جهانی بزرگترین جامی است که می توان به آن اشاره کرد. آغاز این جام همه رخدادهای جاری جهان را تحت شعاع قرار داد. در این زمان خبری از درگیری در کوزو، فلسطین، اریتره، باسک، اندونزی و... نیست. اقتصاد، جنگ و خونریزی، کاهش قیمت نفت، آزمایشهای هسته‌ای و تحریمهای اقتصادی در حاشیه قرار می‌گیرند و اینجا است که این توپ گرد و جامش به سیاست، اقتصاد و فرهنگ تبدیل می‌شود. بگذریم که بیان آن ملال‌آور است. جام جهانی با همه فراز و نشیبهایش آغاز شد و یکبار دیگر قدرتهای فوتبال جهان به نبرد برخاستند تا عرصه ورزش فوتبال را جولانگاه خود قرار دهند، اما این دوره برای ما ایرانیها جایگاه ویژه‌ای دارد، زیرا تیم ملی فوتبال کشورمان بعد از بیست سال پا به عرصه این رقابتها گذاشت، تا یکبار دیگر محکی تازه بخورد، تیم ملی فوتبال کشورمان در گروه شش این رقابتها با تیمهای یوگسلاوی، آمریکا و آلمان همگروه است. هر چند که پیش‌بینی نتایج این گروه بسیار دشوار است اما صعود یوگسلاوی و آلمان از این گروه محتمل است. باید انتظار نشست و ادامه مسابقات را دید. اما آنچه که در روز یکشنبه برای تیم ملی فوتبال کشورمان رقم خورد این بود که می توانیم خود را باور کنیم، و وقتی به خودباوری رسیدیم می‌توان از آنچه که گذشت، هنوز هم امیدوارتر به آینده نگاه کرد.

امیدواریم که تیم ملی فوتبال کشورمان در دو بازی آینده خود همچون دیدار با یوگسلاوی سربلند از میدان خارج شود.

بازتاب بازی زیبای ایران مقابل یوگسلاوی در رسانه‌های خبری جهان

بازی زیبائی، تماشائی و جوانمردانه ملی‌پوشان کشورمان برابر تیم یوگسلاوی بازتاب گسترده‌ای در محافل و رسانه‌های خبری جهان به همراه داشت، بطوریکه مفسر شبکه تلویزیونی سی.ان.ان در ستایش بازیکنان تیم ملی فوتبال کشورمان گفت تیم ایران در مواقع دشوار تیم بزرگ و برجسته است، شبکه تلویزیونی ان.بی.سی نیز گفت تیم یوگسلاوی با داشتن چندین بازیکن بزرگ از باشگاههای معتبر اروپا نتوانست مقابل ایران بازی خوبی به نمایش گذارد، ضمن اینکه مجری برنامه‌های ورزشی این شبکه نیز ضمن تحسین بازی تماشایی ایران، این مسابقه را افتخاری برای فوتبال آسیا خوانده همچنین تلویزیون کشور قطر بارها صحنه‌های بازی را به نمایش گذاشت و شیوه بازی تیم ایران را ستود. همچنین تلویزیون آلمان ضمن گزارشهای خود مکرراً بازی درخشان بازیکنان ایرانی را ستود و بازی ایران را زیبا و گل یوگسلاوی را هدیه داور دانستند. به گزارش خبرگزاری رسمی آلمان بیش از ۹ میلیون نفر از آلمان این دیدار را مستقیم از شبکه دوم سراسری این کشور تماشا کردند و مفسران ورزشی و رسانه‌های گروهی ایتالیا نیز قبل و بعد از دیدار کشورمان با یوگسلاوی به تجلیل از بازیکنان تیم کشورمان پرداختند رسانه‌های ترکیه نیز ضمن تقدیر از بازی زیبا و قوی کشورمان نتیجه بازی را یک بدشانسی برای ایران توصیف کردند.

خبرگزاری‌های رویتر و فرانسه از بازی خوب و جوانمردانه ایرانی تقدیر کردند. مطبوعات مالزی نیز ضمن تقدیر بازی جوانمردانه و با اخلاق ملی‌پوشان کشورمان نوشتند یوگسلاویها که خود را برزیل اروپا می‌دانستند در این بازی نتوانستند مهارتهای خود را نشان دهند و اسیر تاکتیکهای ایرانیها شدند.

عابدزاده: قرار بود که من بازی کنم

مربی تیم یوگسلاوی در یک کنفرانس مطبوعاتی اعتراف کردکه تیم ایران بهتر از یوگسلاوی بازی کرده‌است. وی افزود: من خیلی خوشحال هستم که تیم یوگسلاوی برنده شد، قبل از مسابقه به بازیکنانم گفتم که تیم ایران بسیار قوی است ولی هیچ کدام حرف من را باور نکردند.

به گزارش بی.بی.سی، شکست تیم ملی ایران را بسیاری از مفسران و خبرنگاران حاضر در استادیوم بر اثر اشتباه نیما نکیسا دروازه‌بان ایران می‌دانستند، اما بیژن ذوالفقارنسب مربی تیم ایران باخت ایران را بر اساس دلایل دیگری مطرح کرد. وی در این رابطه گفت: «یک قسمت جزئی آن را می‌توان بی‌تجربگی بازیکنان ایران دانست، ماگلی را که دریافت کردیم اگر در این زمینه هوشیارتر می‌بودیم نمی‌خوردیم و امیدواریم که دراین زمینه بتوانیم بازیکنانمان را هوشیارتر بکنیم که به راحتی چنین گلی را پذیرا نباشیم». بی‌شک غایب بزرگ این مسابقه احمد رضا عابدزاده دروازه‌بان اصلی تیم ملی بود که در طول بازی بر روی نیمکت ذخیره هانشسته بود وی در پاسخ به این سؤال بی.بی.سی که آیا عمل زانویش باعث شد که در بازی حضور نداشته باشد گفت: «نه، من قرار بود که بازی کنم و همه چیز را در اختیار مربیان قرار دادم وگفتم تصمیم را شما بگیرید و من برای بازی آماده‌ام و اگر بازی هم نکنم حتی در بازیهای آینده هم نتوانم بازی بکنم ولی سعی می‌کنم بخاطر مملکتم هر چه در توان دارم انجام دهم و بچه‌ها را بتوانم راهنمائی کاملتری کنم، تصمیم مربیان تیم بوده که امروز اینطوری صلاح دانسته‌اند من بازی نکنم و همچنین اجازه‌ای به خود نمی‌دهم که بخواهم در کار مربیان دخالت کنم.» جلال طالبی سرمربی تیم ملی ایران در جواب این سؤال که با وجود آنکه عابدزاده گفته که آمادگی شرکت در این مسابقه را داشته دلیل شما برای شرکت ندادن دروازه‌بان اصلی تیم ملی در بازی چه بوده است؟ گفت: «من فکر می‌کردم که آماده بازی در این بازی نیست چه از لحاظ روحی و چه ازلحاظ جسمی، که ایشان از ناحیه زانو ناراحتی داشته‌اند مانخواستیم که ایشان خدای نکرده بازی کنند و شدت ناراحتی‌شان بیشتر شود و بازیهای بعدی را از دست بدهد».

میخاسویچ زننده گل تیم ملی یوگسلاوی قدرت تیم ملی ایران را ستایش کرد و گفت که یوگسلاوی با بازی نسبتاً ضعیف نتیجه را از آن خود کرد. وی افزود: «خیلی بهتر است که بد بازی کنیم و ببریم تا اینکه خوب بازی کنیم و ببازیم، تیمهای خوب وقتی که بهترین بازی خود را هم نمی‌کنند برنده می‌شوند اما ایران هم بسیار قوی است و حریف بسیار مشکلی برای آمریکا و آلمان خواهد بود.»

عبدالمجید چاهی بخش:
سرمربی تیم ایرانجوان بوشهر:
بهترین مربیان جهان در یوگسلاوی.

عبدالمجید چاهی‌بخش یکی از مربیان باسابقه در استان بوشهر، پیرامون بازی تیم ملی ایران و یوگسلاوی در چارچوب مسابقات جام جهانی گفت: «با توجه به این که باکلاسترین فوتبال جهان در اختیار تیم یوگسلاوی است و معدن بهترین مربیان جهان، نتیجه بدست آمده بسیار خوب است، تیم ایران و فوتبال ما روی پایه و اساس و هر چه هست از تلاش جوانان است و این می‌تواند یک اختلاف فاحش بین فوتبال ما و اروپای شرقی باشد، بنظر من این بازی یک پیروزی بزرگ مااست البته اگر خودمان را باور داشتیم می‌توانیم پیروز حقیقی هم باشیم.

ایران در بازی با یوگسلاوی، چوب بی‌تجربگی خود را خورد

● مهدی عباس‌زاده

هر چند ایران در بازی با یوگسلاوی نتیجه را واگذار کرد ولی شایسته این باخت نبود و شاید بتوان گفت چوب بی‌تجربگی خود را خورد زیرا در طول بازی موقعیتهای خطرناک ایران از یوگسلاوی بیشتر بود. موقعیتهایی که در طول بازی به دست مهدوی‌کیا و یا میناوند رسید اگر به هر بازیکن حرفه‌ای می‌رسید گل می‌شد. بی‌تجربگی نیما نکیسا در جایگیری باعث گل یوگسلاوی شد. در میان بازیکن ایران حمید استیلی بهترین بود. پر کردن فضای میانی زمین توسط او و یارگیری من تو من با استوکویچ کاپیتان یوگسلاوی باعث هیچ کاره شدن او و در نتیجه بی‌ثمر ماندن حملات یوگسلاوی شده بود، بطوری که باعث شد کریم باقری بیشتر مثمر ثمر باشد و آزادانه حرکت کند. بعد از خارج شدن استوکویچ، استیلی نیز تعویض شد پس ایران در همان نقطه خطا کرد و از روی یک ضربهٔ ایستگاهی گل خورد و حتی بعد از گل نیز تیم ایران میانهٔ زمین را بیشتر به یوگسلاوی داد. نادر محمدخانی نیز یک بازی عالی و قابل قبولی را نشان داد با آنکه میاتوویچ بهترین گل زن اروپا در دور مقدماتی جام جهانی مستقیماً روی او کار می‌کرد و منظر یک اشتباه از جانب او بود و حتی خواست او را عصبی کند ولی محمدخانی یک اشتباه نیز نکرد و او خود عصبی شد تا آنجائیکه میاتوویچ از او فاصله گرفت و برای باز شدن دفاع ایران به کناره‌های زمین رفت، که باز هم بیش از یک موقعیت نداشت که خاکپور آن را دفع کرد. به هر صورت تیم طالبی با یک دفاع منطقه‌ای به رهبری محمدخانی و دوندگی استیلی و بازی رو به جلو باقری و حرکتهای عرضی عزیزی و طولی مهدوی‌کیا حتی می‌توانست امتیاز کامل بازی را بگیرد، هر چند که یوگسلاوی تیم برتر میدان بود و حتی با علی دایی در دفاع، یک یارگیری فشرده را اجرا کرد تا آنجا که او بیش از یک موقعیت گل نداشت و نتوانست از آن دفاع فرار کند. ایران در این بازی ثابت کرد که حریفی آسان برای حریفان نیست و یکی از بهترین تیمهای آسیایی در این مسابقات میباشد.

مقاومت برازجان در زیرگروه باشگاههای کشور

مسابقات فوتبال زیرگروه باشگاههای کشور از روز جمعه بیست و دوم خرداد ماه در شهرهای مختلف کشورمان در هیاهوی جام جهانی آغاز شد، تیم مقاومت برازجان قهرمان باشگاههای استان بوشهر و نماینده استان در این رقابتها است که در اولین دیدار خود در برازجان به مصاف تیم عمران یاسوج رفت. در این دیدار تیم مقاومت برازجان در شهر خود با نتیجه دو بر یک مغلوب عمران یاسوج شد تا راه دشوار خود را دشوارتر سازد.

به هرحال مسابقات آغاز شد و تیم مقاومت برازجان اولین دیدار خود را انجام داد. با توجه به اینکه این تیم به عنوان نماینده استان در این رقابتها شرکت دارد لزوم حمایت همه جانبه از آن طلب می‌شود و می‌بایست هم مسئولان اجرائی و هم متولیان ورزش در شهرستان دشتستان و استان حمایت همه جانبه خود را از این تیم بعمل آورند تا این تیم بتواند نمایندهٔ شایسته‌ای برای فوتبال این استان باشد و آرزو می‌کنیم با تلاش مضاعف فوتبالیستهای خوب این باشگاه و کسب نتایج قابل قبول، شاهد حضور این تیم در مرحله دوم این رقابتها باشیم.

عباس سروری (گیشوئی)، مدرس و مسئول هیئت فوتبال استان بوشهر:
بازی خوب ایران به شناخت مربی از اندیشه‌های فردی بازیکنان برمی‌گردد

عباس سروری یکی از مربیان با سابقه استان بوشهر و کشور در ارتباط با بازی ایران و یوگسلاوی در جام جهانی چنین اظهار داشت: ایران در حد خودش عالی بازی کرد و این بازی نسبت به زمان ایویچ خیلی رشد داشت و این برمی‌گردد به شناخت مربی از اندیشه‌های فردی بازیکن. نتیجه‌ای آبرومند به دست آمد و این شکست برمی‌گردد به اختلاف در سطح بین‌المللی و امیدواریم که تیم ملی فوتبال کشورمان در دو بازی آینده نتیجه خوبی کسب کند.

عبدالمحمد زنگوئی، مدیر باشگاه شاهین بوشهر:
روی حادثه و بدشانسی گل خوردیم.

عبدالمحمد زنگوئی در ارتباط با بازی ایران و یوگسلاوی اظهار داشت : تیم ایران بسیار خوب بازی کرد و حتی بهتر از یوگسلاوی که دارای شهرت جهانی است بازی کرد اما آنچه بدست آمد روی حادثه بود.

وی افزود: اخلاق بازیکنان ایرانی در این دیدار زبانزد بود و همین امر باعث بازتاب خوبی در سطح جهان شد.

به نظر مدیر باشگاه تیم شاهین اگر تیم ایران به همین شکل به کار خود ادامه دهد در بازی بعدی نیز موفق خواهد بود.

علیرضا سعیدی، داور ملی استان بوشهر:
داوری بسیار عالی، تیم ایران فوق‌العاده

علیرضا سعیدی یکی از داوران ملی کشورمان در ارتباط با بازی ایران و یوگسلاوی گفت: «ایران خوب بازی کرد و شاید اگر اشتباه از نکیسا سر نمی‌زد یوگسلاوی دروازه تیم ایران را باز نمی‌کرد.» علیرضا سعیدی افزود: «عزیزی در حد انتظار و دائی فوق‌العاده بودند بخاطر اینکه از همان خط حمله ما دفاع آغاز می‌شد.» به نظر این داور ملی، داوری در این دیدار بسیار عالی بود.

حاج حسین وردیانی رئیس هیئت فوتبال استان بوشهر:
بازی خوب ایران هرگونه تفکری را از حریف گرفته بود

حاج حسین وردیانی رئیس هیئت فوتبال استان بوشهر درخصوص دیدار تیمهای ایران و یوگسلاوی اظهار داشت: «ایران در کار دفاعی، زیبا کار کرد خصوصاً در یک سوم زمین خودش، اگر بازیکنان ایرانی دقت بیشتری می‌کردند زود صاحب گل می‌شدند. خداداد با بازی بسیار عالی خود موجب شد تا میناوند و مهدوی‌کیا بتوانند دروازه تیم یوگسلاوی را به خطر بیاندازند و یکی دیگر از مواردی که در این بازی به چشم می‌خورد این بود که تیم ایران با بازی حساب شده خود اجازه هرگونه تفکری را از خط میانی یوگسلاوی گرفته بود اجازه نمی‌داد که خط میانی آنها شکل بگیرد.



روزبه برازجانی
کلاس اول
دبستان سبحان



مصطفی فیروزپور
کلاس اول
دبستان فرهنگ



دانیال فرخیان
کلاس اول
دبستان فرهنگ



فاطمه محسنی
کلاس سوم
دبستان هدف



حمیدرضا محسنی
کلاس اول
دبستان فرهنگ

تشنج در بوشهر بهانه یا واقعیت؟!

استیضاح وزرا توسط مجلس، حق قانونی نمایندگان است ولی استفاده از این امر باید بگونه‌ای باشد که از ایجاد شبهه‌های استفاده خطی و جناحی ممانعت بعمل آورد. همچنین برای استیضاح وزرا، خصوصاً وزیری به مهمی وزیر کشور و شخصی به توانمندی حجةالاسلام عبدالله نوری، نیاز به دلایل قوی، مستدل، بدون ابهام و بی‌طرفانه است. از جمله دلایل استیضاح وزیر کشور توسط عده‌ای از نمایندگان «مطالب مطروحه توسط استاندار بوشهر و ایجاد تشنج و درگیری در منطقه» می‌باشد. در حول و حوش این مطلب ذکر چند نکته خالی از فایده نبوده و ضروری می‌باشد:

۱ـ از آنجا که این مسئله در حوزه انتخابیه سه تن از نمایندگان مجلس رخ داده است، این مسئله باید حداقل از طرف یکی از آنان مطرح شده و نام یکی از آنان در جملهٔ استیضاح‌کنندگان قرار می‌داشت، در حالیکه نام هیچ یک از این سه بزرگوار در جمع استیضاح‌کنندگان نبوده و این مسئله چندان مهم نبوده است که در زمرهٔ دلایل استیضاح قرار گیرد.



۲ـ از آنجائیکه این اتفاق در استان ما به وقوع پیوسته است، مردم این استان خصوصاً عدهٔ زیادی از نزدیک مسئله را دنبال می‌نموده‌اند و در جریان ماوقع هستند و می‌دانند که هیچگونه تشنج و درگیری وسیعی که منجر به اغتشاش در استان شود بوجود نیامده است و اتفاقاً بقدری این قضیه عادی به وقوع پیوست که عدهٔ زیادی از مردم استان باور نمی‌نمایند که مسئله‌ای به این جزئی می‌تواند به عنوان یکی از دلایل استیضاح وزیر کشور در نظر گرفته شود.

۳ـ صرف وجود ابهام در موضوع استفاده اجباری از چادر و تصحیح این امر توسط استاندار محترم بوشهر و همچنین حمایت نماینده ولی فقیه دراستان از این تصحیح، از جمله مباحثی است که نیاز به طرح،بررسی و احیاناً اصلاح دارد، نظیر این مسائل اجتماعی که بر اثر سلیقه‌های گوناگون در جامعه به اجرا درمی‌آید بسیار است و این امر بدیهی و روشن است که باید این موضوعات توسط اندیشمندان و دولتمردان به نقد کشیده شود تا آنچه نظر دین است از آنچه سلیقه‌های افراد است جدا گردد. آیا پیش‌بینی اینکه ممکن است طرح این مسائل موجب بروز اختلاف و احیاناً تشنج در جامعه گردد، دلیلی موجه برای مسکوت گذاشتن این موضوعات مهم و در نتیجه طرح نکردن آنها در جامعه است. برخورد حضرت امام(ره) با مسائلی از این قبیل، نشانگر این است که آنچه ارجحیت دارد، بیان و شفاف کردن نظر شارع و دستور حقیقی دین است، اگر چه در بیان این موضوعات، مخالفت‌هائی نیز صورت پذیرد. بنابراین استناد استیضاح‌کنندگان به این مسئله در بوشهر، بسیار سطحی و غیرقابل قبول است.

۴ـ آنچه که این نمایندگان از آن به عنوان «تشنج و درگیری در منطقه» یاد می‌کنند، به واقع یک اعتراض معمولی و ساده بوده است. اعتراض عدهٔ قلیلی که مجموعاً از ۴۰ نفر فراتر نمی‌روند، تنها در یک یا دو جلسه صورت گرفته است و اقدام به موقع نماینده ولی فقیه در جهت دادن صحیح به این جریان راه را برای پرداختن صحیح به این موضوع هموار نمود، خوشبختانه مردم فهیم و آگاه بوشهر نیز این مسئله را به موقع دریافتند و اقدام و عمل مسئولانهٔ به جای بعضی از نشریات محلی (نسیم، جنوب) در بیان دیدگاههای مختلف در این زمینه، بررسی مسئله را از حالت عامیانه و غیرمسئولانه به جهت صحیح کشاند.

۵ـ آیا می‌توان اقدام تعداد اندکی از افراد جامعه و روش اعتراض ناصحیح و غیرمنطقی آنان رانسبت به موضوعی، به کل مردم آن منطقه نسبت داد. مسلماً تعداد بسیاری از مردم استان نیز با این اقدام استاندار موافق بود، و گرچه زمینه بروز آن به خوبی فراهم نگردید، اما اظهارنظرهای گروهها و افراد مختلف (همانند نماینده محترم ولی فقیه، گروههای پیروان خط امام دربوشهر، انجمن اسلامی دانشگاه خلیج فارس و ...) نشان از موافقت عده بسیار زیادی از مردم با نظر استاندار بوشهر دارد. بنابراین نمی‌توان بسادگی نظر عدهٔ قلیلی را به کل مردم آن منطقه تعمیم داد. بگذریم از اینکه متأسفانه یکی از خبرنگاران روزنامه کثیرالانتشاری که در سطح کشور منتشر می‌گردد، امانت و بی‌طرفی خبرنگاری را رعایت ننموده و باچاپ مطالبی در آن روزنامه این اعتراض محدود را به کل «مردم بوشهر» و «جوانان حزب‌اللهی بوشهر» و «جوانان بوشهر» و.... نسبت داد و طوری نیز قضیه را انعکاس داد که گویا استاندار به مسئله حجاب اعتراض نموده، نه مسئله «اجباری بودن چادر» و بدینوسیله زمینه بدفهمی عده‌ای از افراد و مسئولین را که در خارج از استان بوده و از نزدیک با مسئله روبرو نبودند، فراهم آورد.

«امضاء محفوظ»

بدرود ای جامعه؟!

صدور حکم غیر منتظره لغو امتیاز روزنامه جامعه از سوی دادگاه مطبوعات، تعجب بسیاری را برانگیخت.

آنجا که هیأت منصفه به تخفیف در صدور حکم رای داده بود، بنابراین مورد مداقه قرار نگرفتن این نظر توسط دادگاه، از جمله ابهامات این حکم می‌باشد. بعلاوه به نظر می‌رسد که رأی صادر شده از سوی قاضی متناسب با جرم این روزنامه نبوده و نسبت به اتهاماتی که به روزنامه جامعه وارد آمده است، این میزان مجازات متناسب با میزان، موضع و موقعیت جرم نیست.

بر طبق قانون مطبوعات تنها در دو مورد امکان لغو امتیاز نشریه پیش‌بینی شده است، یکی در خصوص توهین به مراجع و رهبری و دیگری در زمینه اصرار به چاپ مطالب خلاف عفت، بنابراین روشن نیست که دادگاه محترم بر چه اساس چنین حکمی را صادر کرده است.

اما روزنامه جامعه در مدت اندک انتشار خود، نشان داد که قائل به انجام رسالت مطبوعاتی صحیح است، از خدمات شایان این روزنامه این بود که ثابت کرد می توان با امکانات اندک وبا وجود فشارهای گوناگون و علیرغم حملات شدید، مطبوعات را به درجه‌ای رساند که نقش جایگاهی برای گفتگو و مفاهمه را بین گروههای موجود در جامعه ایفا نمایند. روزنامه جامعه توقعات مردم را از مطبوعات بالا برد و قالبهای معمولی و یکنواختی مطبوعاتی را در ایران شکاند. افزایش فوق‌العاده تیراژ این روزنامه در کمتراز شش ماه نشان دهنده استقبال روز افزون اقشار مختلف از این روزنامه می‌باشد و این امر روشن کننده این نکته است که امروز مردم از مطبوعات، انتظار مطالبی را دارند که در نبود احزاب وگروههای متشکل نقش تبیین موضوعات سیاسی و اجتماعی را ایفا نماید. شاید روزنامه جامعه نیز تعطیل شود، اما مطمئن باشید که سطح انتظار خوانندگان آن به حالت قبل برنگشته و اثرات غیرقابل انکار انتشار این روزنامه در دراز مدت به بار خواهد نشست.

استیضاح وزیر کشور، تهاجم به کدام سو؟!

● م.احمدی

اهمیت وزارت کشور بر کسی پوشیده نیست و به عبارتی می‌توان آنرا قلب دولت دانست، انتخاب وزیری مقتدر، صاحب اندیشه و شجاع به منصب وزارت کشور به اعتبار این وزارتخانه افزود. حضور حجةالاسلام عبدالله نوری به عنوان وزیر این وزارتخانه، او را به عنوان پیشرو اجرای برنامه‌های مترقی خاتمی قرار داد، بنابراین استیضاح این وزیر اندیشمند بسیار قابل توجه می‌باشد. استیضاح وزیر کشور در شرایط خاصی از زمان صورت می‌گیرد، افکار عمومی کشور به شدت به سوی دادگاه شهردار تهران متوجه شده است، از طرفی برگزاری مسابقات جام جهانی فوتبال نیز نظرهای عموم را به سوی خود جلب نموده است و تعطیلی دانشگاهها و عدم حضور دانشجویان نیز زمینه را برای برخوردهای جناحی هموار نموده است.

اما با یک نگاه کلی می‌توان دریافت دلائلی که استیضاح‌کنندگان برای استیضاح وزیر کشور ارائه داده‌اند، دلایل محکم و قابل قبولی نیست که به واسطه آن وزیر دولتی که هنوز شکل و فعالیت طبیعی خود را باز نیافته به صحن مجلس کشاند.

از جمله دلایل استیضاح‌کنندگان، ایجاد تشنج درجامعه توسط وزیر کشور است. واقعاً جای تعجب دارد که بعضی از نمایندگان محترم چگونه مدعی این امر هستند. اعمال حجةالاسلام نوری در جهت قانونمند کردن جامعه و تلاش در جهت اجرای قانون اجتماعات و احزاب در جامعه بر کسی پوشیده نیست. آنچه باعث تشنج و درگیری گردیده، اعمال غیر مسئولانه و زورمدارانه عدهٔ قلیلی از افراد است که به طور غیرقانونی به اجتماعات و متینگهای قانونی حمله نموده و آنها را برهم می‌زنند. آیا بهتر نبود این نمایندگان به دنبال عامل اصلی تشنج بوده و برخورد جدی با عوامل تشنج را که غیرمسئولانه و غیرقانونی اقدام می‌نمایند، توصیه کنند. همچنین مواردی که استیضاح‌کنندگان به آن اشاره می‌نمایند،باید مشخص و خالی از هرگونه ابهام باشد، درحالیکه آوردن مواردی همانند، «اظهارات تحریک‌آمیز»، «نصب بعضی از افراد بی‌تجربه و کم‌تجربه»، «توقف بسیاری از کارهای اجرائی استانها» و ... مبهم می‌باشد. در مجموع می‌توان گفت که تا کنون وزارت کشور، وزیر شجاع و مقتدری را همانند عبدالله نوری به خود ندیده است. وزیری که به شعارهای تحقق جامعه مدنی اعتقاد داشته و به عنوان فردی برجسته، با تمام قوا از آزادی و حقوق شهروندان به دفاع برخاسته ودر بوجودآوردن فضایی‌که در آن گروههای مختلف زمینه ابراز وجود و اظهار نظر را داشته باشند بسیار مؤثر بوده است. آنچه که مشخص است اینکه وزیر کشور تا کنون در راستای تحقق شعارهای انتخاباتی ریاست جمهوری رفتار نموده است و از آنجا که در حماسه دوم خرداد، مردم آگاه ایران، با رأی هوشیارانه خود، تحقق این شعارها را خواستار شدند، بنابراین، این استیضاح، بی‌تردید و در جهت مقابله با سیاستها و اهداف ریاست جمهوری صورت می‌گیرد. توسعه سیاسی و توجه به حقوق شهروندان و به وجود آوردن جامعه‌ای مملو از آزادیهای مشروع (که البته حق خدادای افراد و گروهها است) به همراه امنیتی فراگیر و نیز غیر تبعیض‌آمیز جزء سیاستهای دولت مردمی خاتمی و از محوریترین برنامه‌های وزیر کشور بوده است. درمدت اندکی که پست وزارت کشور به عبدالله نوری سپرده شده، وی با دارا بودن تجربه سیاسی و دانش حوزوی و دوراندیشی و شجاعتی تحسین‌انگیز،تمامی تلاش خود را جهت پیاده نمودن‌اهداف دولت به اجرا گذاشته است و به راستی یاری باوفا و صادق برای شخص رئیس جمهور بوده است. محدود نکردن حیطهٔ آزادی از طرف او برای عده‌ای خاص و دفاع از حق قانونی تمامی شهروندان افتخاری است که بیش از همه رئیس جمهوری بر آن تأکید می‌نماید. به این ترتیب استیضاح وزیر کشور، به عبارتی سؤال در برابر خواسته‌ها و اهداف رئیس جمهور است که گویا در این برهه چنین صلاح دیده شده که قلب دولت در معرض تهاجم قرار گیرد.

بیانیه انجمن اسلامی معلمان بوشهر در خصوص استیضاح وزیر کشور

براساس کدامین مدارک و شواهد حکم به درگیری دراستان بوشهر می‌دهید؟

انجمن اسلامی معلمان بوشهر با صدور بیانیه‌ای استیضاح وزیر کشور را محکوم نمود. در قسمتی از این بیانیه آمده است: دولت آقای خاتمی مصمم است که اندیشه جامعه مدنی را بر پایه‌هایی مستحکم بنا گذارد و وزارت کشور قدرتمند به عنوان یکی از پایه‌های مستحکم، نمودار ثبات، یکدلی، امنیت و آرامش داخلی کشور است ... استیضاح حق مسلم نمایندگان است ولی به عنوان قوه کنترل و اعمال نظارت، باید بجا، به موقع، بنا به مقتضیات زمان و به نفع مصالح عمومی کشور و نظام از آن استفاده شود و نه حربه‌ای برای تسویه حسابهای جناحی باشد.

در قسمتی دیگر از این بیانیه نوشته‌شده: از موارد استیضاح در رابطه با بوشهر اینکه گفته شده «مطالب مطروحه توسط استاندار بوشهر و ایجاد تشنج و درگیری در منطقه»، باید از نمایندگان محترم استیضاح کننده پرسید مگر از استاندار بوشهر چه مطلب و حرکت غیرقانونی و غیرشرعی صادر شده است؟ آیا جز این بوده که ایشان موضوع «پوشش اسلامی» را با تکیه بر بیانات ولی فقیه و قوانین و آئین‌نامه و بخشنامه‌های موجود به شکل منطقی و استدلالی - با تأکید بر حفظ و اشاعه «چادر» به عنوان حجاب برتر - مطرح کرده است؟ و اگر اینکه در جلسه سخنرانی و پرسش و پاسخ ایشان عده‌ای انگشت شمار - که یحتمل قصدشان دلسوزی بوده است - با تندگوئی و بعضاً حساسیتهای غیر واقعی قصد بر هم زدن مجلس را داشته‌اند، نام این موضوع را باید «ایجاد تشنج ودرگیری در منطقه» گذاشت؟ بر اساس کدامین مدارک و شواهد حکم به درگیری در منطقهٔ بوشهر می‌دهید؟ عنایت و حساسیت ۳۱ نمایندهٔ محترم غیربوشهری مجلس به اوضاع فعلی و جاری در بوشهر شگفت‌آور است. نظارت بر اوضاع جاری استانها از وظایف همهٔ نمایندگان مجلس است. ولی باید پرسید از کی اینان نسبت به بوشهر حساسیت پیدا کرده‌اند؟ چرا در حالیکه بوشهر همچنان از محرومترین استانهای کشور است و از نسیم فرحبخش دوران سازندگی نصیبی نبرده بسیاری از طرحهای عمرانی و صنعتی و اشتغال‌زا در این استان به استانهای همجوار محول شده و یا معطل مانده و درحالیکه گمرکهای آن به رکود کشیده شده‌اند و در همان حال برخی از مسئولین استان فارس داعیهٔ الحاق بندر عسلویه را به فارس سر می‌دهند، نمایندگان محترم ساکت می‌نشینند و حتی به لفظ هم اظهار به تأسف نمی‌کنند؟ این چه «تشنج و درگیری در منطقه» است که مردم غیور و همیشه در صحنه بوشهر و نیروهای حزب‌اللهی و سلحشوران جبهه و جنگ بوشهر به آن پی نبردند و نمایندگان محترم بوشهر در مجلس نیز به آن معترض نشدند؟ در این صورت باید گفت یا نمایندگان بوشهر نسبت به قضایای بوشهر بی‌تفاوتند و یا دیگر نمایندگان مجلس دایهٔ دلسوزتر از مادر شده‌اند. دقت در همین موضوع و موضوعات مشابه که بر مبنای آنها وزیر محترم کشور مورد استیضاح واقع شده است، این استیضاح را زیر سؤال می‌برد. به نظر می‌رسد این اقدام خدای ناکرده اگرنه بر اساس دلسوزی باشد ناشی از جریان خودساخته‌ای از جانب جناح انحصار طلب است که به زعم خود مترصد تکرار مشابه آن نیز هستند. در اصل چنین موضوعی است که حتی تصور آن خطرناک بوده و دامن زدن به آن، تشنج آفرینی با پی‌آمدهای منفی و مخل امنیت عمومی کشور را دنبال خواهد داشت. مسلماً با وجود رهبر حکیم و فرزانه و مردم هوشیار ایران و همچنین با درایت و دوراندیشی نمایندگان محترم مجلس به ویژه مقام محترم رئیس و برخی از اعضای هیأت رئیسه مجلس، ادامه چنین روندی منتفی و محکوم به شکست است.

انجمن اسلامی معلمان استان بوشهر معتقد است که در سایهٔ ولایت فقیه و با حمایت از دولت آقای خاتمی و وزیر محترم کشور انشاءالله تحقق هر چه سریعتر و بهتر جامعه مدنی در تمامی ابعاد آن فراهم می‌گردد. ضروری است در این راستا نمایندگان محترم مجلس ضمن پرهیز از اقدامات و ابراز سخنانی که خود تشنج‌آفرین هستند بیشتر همّ و توجّه خود را به تلاش و همکاری با دولت آقای خاتمی معطوف ساخته و زمینه‌های اعطای حقوق اساسی مردم و شرکت فعال و با مسئولیت آنان را درتعیین سرنوشت خویش از جمله انتخابات مجلس خبرگان که در آستانهٔ آن قرار داریم تدارک ببینند و نیروی خود را صرف زدودن آثار فقر و عقب‌ماندگی و طرح برنامه جهت عدالت اجتماعی و تعالی پیشرفت کشور نمایند.

جوابیه اداره بندر و کشتیرانی به نسیم جنوب در خصوص آتش سوزی لایروب سومار

هفته‌نامه نسیم جنوب

سلام علیکم،ضمن پیوست، گزارشی پیرامون چگونگی حادثه آتش سوزی در لایروب سومار، لذا خواهشمند است دستور فرمائید تا در ستون مربوطه جهت اطلاع همشهریان عزیز چاپ و منتشر فرمایند. لازم به ذکر است که این گزارش مطلب قبلاً طی شماره ۳۷۲۶ مورخ ۷۷/۲/۲۹ به خبرگزاری جمهوری اسلامی ارسال گردیده بود که متأسفانه آنها اقدامی مبذول نفرموده‌اند.

چه عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار

حدود دو ماه است که از حادثه ناگوار آتش‌سوزی لایروب سومار گذشته و افکار مسئولین سازمان و این اداره کل را مشغول خود ساخته طوری که با تشکیل کمیته‌ها و اکیپ‌های فنی حفاظتی ـ حقوقی بطور جدّ و موشکافانه موضوع آتش‌سوزی و علل و عوامل بروز این حادثه را در حال بررسی دارند و از سوئی مراجع قضائی استان وهمچنین دیوان محاسبات استان و مرکز نیز پیگیر مصّر موضوع هستند. علی‌ایحال بنا به ضرب‌المثل شتر را زیر لحاف نمی‌شود پنهان کرد، لزوماً به محض حصول نتیجه نهائی خواه ناخواه عموم همکاران عزیز و شهروندان گرامی که با احساس مسئولیتی قابل تحسین بنا به مصداق حدیث کلّکم راع و کلّکم مسئول عن رعیّته، در گوشه و کنار بعضاً مطالبی را عنوان داشته و یا در روزنامه‌ها به چاپ رسانیده که باعث دلگرمی بیشتر ما در امر پیگیری و راه‌اندازی مجدد شناور مذکور گردیده‌اند، پرواضح است که دیر یا زود در جریان جزئیات ماوقع قرار خواهند گرفت. لازم به ذکر است که موضوع سانحه بی‌پرده و آشکارا توسط تیمهای کارشناسی اعزامی از سازمان و این اداره کل از لحاظت اولیه بروز حادثه تاکنون که تحت بررسی قرار گرفته عموم همکاران به ویژه کارشناسان و تکنسینهایی که به نوعی با فعالیت و چگونگی شناور مذکور آشنائی داشته‌اند کاملاً از چگونگی امر مطلع شده‌اند. مع‌الوصف بدیهی است اگر فردی از پرسنل این اداره اظهار بی‌اطلاعی کند یا عجول بوده یا کم‌لطفی می‌فرمایند. بهرحال با تشکر از عموم دوستانی که با تذکرات خویش ما را راهنمایی نموده‌اند از مسئول محترم خبرگزاری استان درخواست می‌شود جهت رفع نگرانی آن عزیزان نسبت به درج مطالب فوق در مطبوعات استانی و کشوری عنایت فرمایند.

شروع حملات همه جانبه!

□ حسن لاوری

در رقابتی که در انتخابات ریاست جمهوری سال پیش رخ داد یک طرف قضیه چندین سال با برنامه و با انواع و اقسام روشها خود را پیروز حتمی میدان می‌دانست و تمامی امکانات مادی و معنوی جهت موفقیت خود در این امر بکار گرفت ولی با کمال ناباوری آروزی خویش را غیرقابل دسترس دید.

امروز در حالیکه رهبر معظم انقلاب حضرت آیت ا... خامنه‌ای می‌فرماید مجلس شورای اسلامی می‌تواند مظهر وحدت و همکاری با دولت باشند یک هفته بعد از آن وزیر کشور استیضاح می‌شود. دادگاه کرباسچی، استیضاح وزیر کشور، تعطیلی روزنامه‌ها (حق یا ناحق) و ... از حملات همه جانبه مخالفان خاتمی جهت کشاندن ایشان به موضعگیری شدید می‌باشد و این در حالی است که ولایت امر تأکید بر حمایت و پشتیبانی از دولت خدمتگذاردارد.چندنکته ذیل در این خصوص قابل طرح‌می‌باشد:

۱ـ همانطوریکه انتظار می‌رود این حملات شروع و تراژدی سقوط دولت و اثبات شعارهای تبلیغاتی ایام انتخابات می‌باشد و به تصور اینکه افکار عمومی متوجه مسابقات جام جهانی است تمام همّ و غمّ خود را در این مدت در راستای هدفی که دارند بکار خواهند گرفت، لذا بر حامیان خاتمی است که با هوشیاری و درایت و اقدامات سنجیده از دولت همانگونه که در انتخابات نشان دادند حمایت و پشتیبانی نمایند. ۲ـ استیضاح حق قانونی نمایندگان مجلس می‌باشد. ولی این حربه نباید در جهت تضعیف دولت بکار گرفت. تا کنون در هیچ دوره‌ای از مجلس نبوده که وزیری را در مدت کمتر از یکسال اولیه تصدی وزارت چندین بار به مجلس بکشانندواورااستیضاح نمایند. ۳ـ در هنگامیکه وزیر کشور کویت جهت انجام مذاکره و انعقاد قرار داد میهمان وزیر کشور ایران می‌باشند، طرح استیضاح وزیر کشور در مجلس قرائت می‌گردد. ۴ـ با توجه به اینکه یکی از موارد مطروحه دراستیضاح وزیر کشور در خصوص مسئله اخیر بوشهر می‌باشد، متأسفانه نمایندگان استان بوشهر هیچگونه موضعی نداشته‌اند. علیرغم اینکه اسمشان در استیضاح نیست ولی مسئله اخیر بوشهر در آن عنوان گردیده لذا از نمایندگان محترم بوشهر خواستار موضعگیری شفاف و روشن در این قضیه می‌باشیم آیا موافق استیضاح می‌باشند یا خیر؟ ۶ـ از برادرانی که سعی داشتند مسئله چادر در بوشهر را غیرسیاسی نشان دهند و با یک مقاله کاملاً سیاسی سعی در غیر سیاسی نشان دادن آن داشتند (چاپ مقاله خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی بوشهر در این روزنامه) با این استیضاح بدانند که اصل قضیه سیاسی بوده و عده‌ای ناخواسته در قضیه افتاده‌اند در حالیکه مسائل از پشت پرده توسط جناحی هدایت می‌گردیده است.

نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
صاحب امتیاز: دکتر عبدالامیر خلف‌پور
مدیرمسئول و سردبیر: یونس قیصی‌زاده
مدیراجرایی: مهندس محمد مهدی بنچاری
مدیر فنی: حسین ابوالحسنی
چاپ و لیتوگرافی:چاپخانه علوی بوشهر، خیابان امام، خیابان شهید حیدری ـ تلفن ۲۷۷۹۷
آدرس: بوشهر، خیابان امام،خیابان فاطمیه ـ خیابان شهید قیصی‌زاده، دفتر هفته‌نامه نسیم جنوب ـ تلفن : ۲۵۸۲۰
صندوق پستی:۱۱۹۹